



صدا و سیاهی جمهوری اسلامی ایران  
معاونت فضای مجازی  
اتاق وضعیت

## مستند جامع محتوایی

# طراحی عملیات رسانه‌ای پیرامون موضوعات کلان مرتبط با انتخابات اسفند ۱۴۰۲

مساله شناسی، نگاشت اقدام و نگاشت نهادی



دی ماه ۱۴۰۲



اینکه شما می بینید درباره‌ی اینکه آیا در انتخابات شرکت بکنیم یا نکنیم، [بعضی میگویند] «نه، چه فایده دارد؟» این یک چیز ساده نیست؛ این همان سیاست راهبردی آمریکا است، این همان سیاست راهبردی دشمنان انقلاب است. نبودن مردم در صحنه‌ی سیاست، نبودن مردم در صحنه‌ی فرهنگ، نبودن مردم در صحنه‌های اقتصادی، نبودن مردم در صحنه‌های دینی، سیاست راهبردی دشمن است.

امام خامنه ای حفظه الله ۱۴۰۲/۱۰/۱۹



## مقدمه

مشارکت مردم در امور سیاسی و انتخابات بسیار حیاتی و ضروری است و دشمنان انقلاب به دنبال خارج ساختن مردم از صحنه حکمرانی مشارکتی و ایجاد بی تفاوتی در آنها نسبت به سرنوشت خود هستند. این سیاست راهبردی دشمنان، در حالی انجام می شود که چندین سال است فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان بر مردم به حد اکثر رسیده است و امید این را دارند که به پشتوانه برخی نارضایتی ها و خلل هایی که در زندگی مردم بوجود آمده است و همچنین با بهره برداری از نقاط ضعف موجود در ساختار حکمرانی، مقبولیت مردمی جمهوری اسلامی را در انتخابات پیشرو خدشه دار و بی اعتبار جلوه دهند تا برنامه های پسینی خود علیه مردم و کشور را متعاقباً اجرا نمایند.

از این رو، حضور فعال در انتخابات و تلاش برای مشارکت حداکثری مردم، به عنوان یک اقدام انقلابی و وطن دوستانه، ضروری است. مردم باید از اهمیت حضور خود در صحنه سیاسی و انتخابات آگاه باشند و از حق خود برای شرکت در انتخابات استفاده کنند تا بار دیگر دشمن را در نقشه های خود ناکام بگذارند.

در حال حاضر موضوعات و مسائل کلان و فراگیری در جامعه وجود دارد که برساخته اقتضات جامعه، قوانین کشور، نحوه حکمرانی مسئولین و سیاستهای دشمن در قبال نظام هستند و این قابلیت را دارند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مقوله مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات را تحت تأثیر قرار دهند.

شناخت این موضوعات و مسائل می تواند نقش مؤثری در اجرا و هدایت عملیات رسانه ای هدفمند داشته باشد و ائتلاف منابع و سرمایه ها جلوگیری کند. مرقومه حاضر ضمن واکاوی این موضوعات و مسائل کلان اقدام به احصای اهداف و سیاستهایی مرتبط نموده و ایده های رسانه ای لازم را در انتها ارائه کرده است.

## فهرست

۵	موضوع اول: هجمه به شورای نگهبان
۱۷	موضوع دوم: جنگ رسانه
۲۹	موضوع سوم: تحریم انتخابات
۴۱	موضوع چهارم: مجلس تراز گام دوم
۵۱	موضوع پنجم: نقش آفرینی موثرین اجتماعی
۶۱	موضوع ششم: قانون گرایی
۶۹	موضوع هفتم: کارنامه خوانی
۷۹	موضوع هشتم: مشارکت جوانان
۸۵	موضوع نهم: افزایش انگیزه مشارکت
۹۳	موضوع دهم: انتخاب اصلح
۹۹	موضوع یازدهم: جوانگرایی
۱۰۵	موضوع دوازدهم: رأی اولی ها
۱۱۱	موضوع سیزدهم: مشارکت کارگران
۱۱۷	موضوع چهاردهم: دفاع از قانون اساسی
۱۲۱	موضوع پانزدهم: مناظرات انتخاباتی
۱۲۵	موضوع شانزدهم: مشارکت اصناف
۱۲۹	موضوع هفدهم: انتخابات مجلس خبرگان

موضوع اول

# هجمه به شورای نگهبان

## مسأله‌شناسی

### چرایی نظارت استصوابی یا غیراستصوابی؟

بر طبق اصل ۹۹ قانون اساسی: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد." به جهت نزدیکی به انتخابات مجلس، وظیفه «نظارت بر انتخابات» در شمار وظایفی است که در این روزها بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در عین اهمیت، به همان نسبت بیشتر مورد هجمه از سوی معاندان نظام اسلامی قرار می‌گیرد. در هنگام سخن گفتن از این وظیفه خطیر شورای نگهبان، صحبت بر سر این است که منظور از لفظ «نظارت» چه بوده و حدود و ثغور و کیفیت آن چگونه است؟

در این راستا و در ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹ مقرر شده:

"نظارت بر انتخابات مجلس به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است."

اما طی اصلاحیه دیگری مورخ ۱۳۷۴/۶/۲، واژه «استصوابی» به ماده ۳ این قانون افزوده شد.

بدین ترتیب، عام بودن و استصوابی بودن نظارت شورای محترم نگهبان بر تمام مراحل و امور مربوط به انتخابات‌ها صادق بوده که طبعاً فرآیند «تأیید صلاحیت‌ها» را نیز شامل می‌شود.

بحث نظارت استصوابی، اگرچه دارای مبانی قانونی و عقلانی بوده، اما همانند بسیاری موارد دیگر که در نظام اسلامی، حافظ اسلامیت و جمهوریت نظام است، از سوی جبهه ضدانقلاب مورد حمله قرار می‌گیرد.

### طرح مساله:

در نظامات سیاسی مستقر در دنیا، اساساً نمی‌توان نظامی را یافت که در آن برای ورود به عرصه‌های مدیریتی کلان کشور و حوزه‌های حساس تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، به کسانی که «مخالف مبانی و آرمان‌های بنیادین آن نظام سیاسی هستند» اجازه حضور در رقابت‌های انتخاباتی داده شود. این گزاره، آنقدر بدیهی است که نیازی به اثبات نداشته و لزوم اعمال سازوکارهای نظارتی را در فرآیندهای انتخاباتی در سراسر دنیا گوشزد می‌نماید. اما شاید تفاوت کشورها و نظام‌های سیاسی با یکدیگر، در کیفیت و سازوکار این نظارت باشد.

مثلاً در کشوری چون آمریکا — به عنوان یکی از مدعیان اصلی دموکراسی در جهان — سازوکاری ۵ مرحله‌ای و البته پیچیده برای ورود افراد به عرصه انتخابات وجود دارد که در عمل، این سازوکار از ورود افرادی که مطلوب نظام سیاسی حاکم بر این کشور نیستند، به حلقه بسته قدرت جلوگیری می‌کند.

در این کشور، برای رسیدن یک کاندیدای انتخاباتی به مراحل بالا و نتیجتاً اخذ مناصب مهم سیاسی، نیاز است که وی از فیلترهای حزبی زیادی رد شود تا وفاداری حقیقی خود به آرمان‌های کشورش را که همانا مبانی لیبرال — دموکراسی است، اثبات نماید. به دیگر سخن، اگر فرض کنیم یکی از اهداف مهم طرح نظارت استصوابی، تأیید صلاحیت افرادی باشد که می‌بایست التزام عملی خود را به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه به اثبات رسانده باشند، با همین چارچوب مفهومی، حتی ایالات متحده نیز حاضر



نخواهد بود افرادی را که نتوانسته‌اند وفاداری خود به چارچوب‌های نظم سیاسی غرب را به اثبات رسانند، اجازه شرکت آن‌ها در انتخابات را بدهد.

### ابعاد مختلف هجمه به شورای نگهبان:

هجمه به شورای نگهبان از وجوه گوناگونی صورت می‌گیرد. شاید بیشترین هجمه به این نهاد با تکیه بر حمله به «نظارت استصوابی» باشد؛ موضوعی که بیش از همه نیز شبکه معاند ضدانقلاب روی آن مانور داده و از آن برای کوبیدن سازوکارهای قانونی و نظارتی نظام اسلامی بهره می‌گیرد. از دیگر ابعاد حمله به این شورا، مباحث مرتبط با شفاف‌سازی روند تایید صلاحیت‌های افراد است؛ بدین نحو که برخی جریان‌ها با موج‌سواری بر عدم تایید صلاحیت‌ها در برخی انتخابات‌ها، سعی می‌نمایند با فرافکنی، اطلاع‌رسانی عمومی از این نهاد را پیرامون علل عدم تایید صلاحیت‌ها مطالبه نمایند؛ نکته قابل تامل در اینگونه مطالبه‌گری، تلاش برای عمومی کردن این علل است؛ در حالی که شورای نگهبان بارها اعلام کرده است که این شورا در خصوص افرادی که تایید صلاحیت نشده‌اند، بنای بر اطلاع‌رسانی دارد، اما علت یا علل عدم احراز صلاحیت را «به صورت خصوصی» به خود آن افراد اطلاع‌رسانی می‌کند؛ نه آنکه تمامی رسانه‌ها و مردم در جریان جزئیات علل عدم تایید صلاحیت آن فرد قرار گیرند!

### کنشگران اصلی در زمینه مساله هجمه به شورای نگهبان:

همانطور که ذکر شد، هجمه به شورای نگهبان از ابعاد گوناگونی صورت می‌گیرد. هر کدام از این ابعاد می‌تواند از سوی یک یا چند جریان انجام شود که در ادامه به برخی از این کنشگران اشاره خواهد شد.

**الف)** به نظر می‌رسد در صدر این کنشگران، نظام سلطه با محوریت آمریکا جای دارد که همواره کوشیده با زیر سوال بردن انتخابات آزاد و مردم‌سالار در کشورمان، نهادهای

نظارتی دست‌اندرکار انتخابات و من جمله شورای نگهبان را بکوبد. پیشنهاد یکی از کارشناسان اندیشکده ضدایرانی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» مبنی بر لزوم تحریم «آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان»، در همین راستا قابل تفسیر است.

**ب)** در مرتبه بعد، مهمترین و البته فعالترین این کنشگران، **اپوزیسیون و جریان ضدانقلاب** خارج‌نشین هستند که به مدد رسانه‌های فارسی‌زبان خود اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و دیگر قالب‌های رسانه‌ای، بر نظام ادراکی مخاطب خود در ایران اثر می‌گذارند. نکته حائز اهمیت در این میان آن است که بسیاری از عوامل این دسته از کنشگران، ایرانی‌الاصل بوده و به همین سبب، شناخت دقیقی از روانشناسی مخاطب خود دارند.

شاه‌بیت هجمه‌های این طیف از کنشگران، هجمه به نظارت استصوابی شورای نگهبان است که با مانور دادن روی آن و زدن این مزیت نسبی شورا، لاقلاً دو هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست آنکه سعی می‌کند در فرآیندی مغالطه‌آمیز، اینطور وانمود کند که «نظارت استصوابی، مغایر با فهم و درک مردم است! چه لزومی دارد که نظام به عنوان آقابالاسر برای مردم تصمیم بگیرد و برای آن‌ها تعیین کند که به چه کسی رای بدهند یا به چه کسی رای ندهند! این مردم خودشان فهم و درک دارند و می‌دانند که به چه کسی باید رای بدهند یا ندهند!» در حالی که مبتنی بر مسائل پیش‌گفته پیرامون بدیهی بودن وجود نهادهای نظارتی در کشورهای مختلف، بررسی و احراز صلاحیت‌ها در نظام‌های مردم‌سالار و مهمتر از آن در نظام‌های مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، جزئی از فرایند طبیعی مشروعیت‌بخشی به کارگزاران به حساب می‌آید نه برخلاف فهم مردم! به دیگر سخن، شبکه ضدانقلاب با طرح نمودن و ضریب دادن به دوگانه‌ی کاذب «نظارت استصوابی» و «فهم مردم» می‌کوشد نظام ادراکی مخاطب عام یا حتی مخاطب نخبه را در مواجهه با

نظام اسلامی، بدین نماید تا بدین ترتیب در راستای تحقق راهبرد مهم خود که همانا «تحریم انتخابات» است، گامی بزرگ بردارد.

**ج) برخی از جریان‌های سیاسی**، تکیه خود را روی چهره‌ها و رد یا تایید صلاحیت آن‌ها معطوف می‌دارند؛ بدین نحو که مثلاً عنوان می‌کنند اگر فلان چهره موجه سیاسی که در نزد سیاسیون اعتبار دارد، تایید صلاحیت نشود، وجهه و آبروی شورای نگهبان خواهد رفت و این شورا را در نزد ملت و خصوصاً نخبگان بی اعتبار خواهد کرد. در حالی که در بسیاری موارد، چنین تهدیداتی جنبه سیاسی کاری و حاشیه سازی داشته و شورای نگهبان نمی‌بایست تحت تاثیر اینگونه فضا سازی‌ها قرار گیرد و طبعاً می‌بایست به حسب وظیفه خطیر خود، به مُر قانون عمل نماید.

**د) در مرتبه بعدی، مؤثرین اجتماعی** قرار می‌گیرند که شامل طیفی از موثرین غیر سیاسی کشور شامل هنرمندان، واعظ، چهره‌های رسانه‌ای مطرح، مداحان و... بوده که با تفکرات، اظهارات و بعضاً رفتارهای خود، بخشی از بدنه اجتماعی را با خود همراه می‌کنند. به عنوان نمونه، «سلبریتی‌ها» در این مرتبه از کنشگران قرار می‌گیرند که با مدد گرفتن از فضای مجازی، امروزه بسیار جریان ساز بوده و با موضعگیری خود در خصوص موضوعات گوناگون، خواسته یا ناخواسته، طیف نسبتاً وسیعی از مردم را به سمت مدنظرشان می‌کشانند.

### **مصادیقی از آسیب دیدگی نظام در حوزه‌هایی که شورای نگهبان ورود نکرده است**

شورای محترم نگهبان به عنوان یکی از ارکان مهم نظام جمهوری اسلامی، به تعبیر مقام معظم رهبری، در حکم «چشم بینای نظام» برای انتخابات است. اگر نظام اسلامی به مثابه یک پیکره‌ی ذی حیات و پویا تصور شود که شورای نگهبان در حکم چشم این

پیکره باشد، روشن است که اگر قوه بینایی آن ضعیف شد یا آسیب دید و یا نهایتاً کور گردید، دیگر هیچ عضو دیگری نخواهد توانست بار تیزبینی این عضو را بر دوش کشد. مبتنی بر این مثال به انضمام مطالب پیش گفته، به نظر میرسد که سخن در خصوص جایگاه مهم شورای نگهبان در فرآیندهای حاکمیتی و خصوصاً نظارت بر انتخابات، به قدر کفایت مطرح شده باشد.

**اکنون میتوان به عنوان چند مصداق، مواردی را برشمرد که در آن، عدم ورود شورای نگهبان، موجب خسارت به بدنه نظام اسلامی شده است.**

۱. انتخابات مجلس اول اگرچه از سوی عده‌ای به عنوان بهترین انتخابات و ماحصل آن نیز به عنوان بهترین مجلس برشمرده می‌شود، اما باید دانست در همان انتخابات، به سبب نبود نظارت نهادی چون شورای نگهبان، چهره‌هایی چون «مسعود رجوی» نیز از لیست مجاهدین خلق در انتخابات شرکت نمودند. اگرچه در آن زمان، این جریان هنوز به سازمانی تروریستی تبدیل نشده بود، اما وجود چنین عناصری حکایت از آن داشت که سازوکار نظارت بر انتخابات، می‌تواند و می‌باید که در سنوات آتی، شکل منسجم‌تر و جدی‌تری به خود بگیرد که با تحقق نظارت شورای نگهبان در انتخابات‌های آتی، این نقیصه برطرف شد.

۲. در حال حاضر، نظارت بر تایید صلاحیت کاندیداهای شوراهای اسلامی شهر و روستا. که پشته‌ای در حدود بیست سال دارد — بر عهده شورای نگهبان نبوده و نگاهی به عملکرد برخی اعضای این شوراها در سراسر کشور، نشان از این دارد که متأسفانه صافی‌های نظارتی مناسبی در طول چند سال گذشته بر روند تایید صلاحیت این افراد وجود نداشته است که شاهد مثال آن، وجود برخی موارد فساد در میان اعضای این شوراها در برخی شهرهای کشور در چند سال اخیر است.

## نگاشت اقدام — مخاطب: عامه مردم

### اهداف

افزایش اعتماد عمومی نسبت به جایگاه و کارکرد شورای نگهبان در مقابل سناریو دشمن در هجمه به این نهاد در ابعاد:

۱. اعتبار زدایی و تقلیل جایگاه

۲. کاهش مرجعیت نظارتی

۳. ایجاد بی اعتمادی نسبت به ساختار

۴. تقدس زدایی

### پیام

۱) احراز صلاحیت افراد جهت تصدی مسئولیت مهم، در همه دنیا به عنوان مسئله ای بنیادی مورد پذیرش همه مردم است.

۲) با توجه به اینکه نمایندگان مجلس عهده دار قانونگذاری جهت بهبود سرنوشت کشور می باشند، باید از متعهدترین و متخصص ترین افراد باشند که تشخیص این توانمندی با توجه به ترکیب فقهی و قانونی شورای نگهبان برعهده این نهاد است.

۳) جایگاه مهم و راهبردی شورای نگهبان باعث شده تا جریان‌های مختلف در داخل و خارج از کشور با رویکردهای متفاوت سعی در اختلال در کارکردهای این نهاد داشته باشند. (با ذکر مصادیق)

۴) یکی از گلوگاه‌های اصلی مقابله با ورود جریان نفوذ در مناصب مهم و اساسی کشور شورای نگهبان است.

۵) حضور مردم پای صندوق‌ها و به تبع آن انتخاب نامزدهای احراز صلاحیت شده توسط این شورا، مهر تاییدی بر مشروعیت و نیز اثبات مرجعیت نظارتی شورای نگهبان است.

۶) نقش شورای نگهبان در صیانت از کلیت نظام متضمن حراست از سرنوشت مردم است.

**بسیاری از مخالفت‌ها و هجمه به شورای نگهبان خاصه از جانب جریان‌های معاند، به دلیل پایبندی این نهاد به آرمان انقلاب و منافع مردم است.**

## سیاست

۱) باید مصادیق فراجناجی بودن تصمیمات شورای نگهبان برای مردم ملموس شود

۲) باید انتخاب نمایندگان توسط مردم در طول ۴۴ سال گذشته در چارچوب اعتماد آنها به نظام و شورای نگهبان برجسته شود.

۳) باید در پرداخت رسانه‌ای، گلایه‌های مردم نسبت به برخی از اقدامات شورای نگهبان در چارچوب اعتقاد آنها به این نهاد برجسته شود نه ضدیت و عدم اعتماد آنها

۴) از ایجاد دوگانه کاذب نظارت استصوابی شورای نگهبان و عدم فهم مردم پرهیز شود. (عدم اثبات این گزاره که نظارت استصوابی، مغایر با فهم و درک مردم است)

۵) باید بخشی از اقدامات این شورا که کمتر بدان پرداخته شده به صورت ملموس مطرح شود. (مانند اینکه شورای نگهبان متشکل از اعضای حقوقی و فقهی است که مجموعه نظرات آنان صلاحیت‌ها را احراز و یا عدم احراز می‌نماید نه دیرآن).

## ایده تولید

۱. مقایسه تطبیقی نحوه نظارت و احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی در کشورهای که این سازوکار در آنجا وجود دارد با مدل مترقی شورای نگهبان، به جهت تاثیرگذاری بر لایه ادراکی و شناختی مخاطب عام

۲. بررسی تاریخی مدل نظارتی دوران قاجار و مخصوصاً پهلوی در رابطه با انتخابات و برجسته سازی نقاط ضعف و فقدان سازوکار مدون و مشخص آنها؛ در این زمینه نمایش وضعیت بغرنج مجالس شورای ملی، ادله مناسبی جهت تایید فقدان نظارت و احراز صلاحیت در آن دوره‌ها می باشد

۳. پیامدهای عدم ورود شورای نگهبان در برخی از موارد باید به صورت شفاف و متناسب با فهم عامه مردم به نمایش درآید؛ برای مثال حجم عظیمی از تخلفات شورای شهر به واسطه عدم ورود شورای نگهبان به احراز صلاحیت‌های اعضای آن باید در قالب پیشنهادی موشن گراف یا اینفوگراف و همچنین مستندی گزارشی بیان شود.

۴. مصادیق هجمه جریان‌ات مختلف، خاصه معاندین و اپوزوسیون به شورای نگهبان با بهره‌گیری از داده‌های آماری و فکت‌های مربوط به آن در قالب مستند پژوهشی برجسته شود. برای مثال پیشنهاد تحریم آیت الله جنتی از جانب آمریکا مورد مناسبی برای این ایده می باشد

۵. تشریح وظایف شورای نگهبان در کنار سیر قانونی نظارت استصوابی این نهاد با بیانی ساده و قابل فهم در قالب اینفوگراف، موشن گراف و مجموعه عکس نوشت قابلیت پرداخت دارد

۶. اهمیت وظایف شورای نگهبان به عنوان مهمترین مرجع احراز کننده صلاحیت از زبان موثرین اجتماعی که در جریانات مختلف وجود دارند موثر است. قالب پیشنهادی آن **مستند مصاحبه** مناسب است.





موضوع دوم

# جنگ رسانه

## مسئله شناسی

رسانه، خصوصاً در شکل مدرن آن، ابزاری در جهت پیشبرد «جنگ شناختی» محسوب می‌شود؛ جنگ شناختی که در مقیاس کلان‌تر، ابزاری برای پیشبرد «جنگ رسانه» به حساب می‌آید. لذا برای فهم عمیق‌تر جنگ شناختی، لازم است معنای جنگ رسانه تبیین شود.

### مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«جنگ‌های امروز دنیا در واقع «جنگ اراده‌ها» است و شما با ایستادگی و استحکام اراده‌ها و استفاده از ظرفیت‌های فراوان کشورتان خواهید توانست بر مشکلات پیروز شوید... در [این] جنگ، اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است.»

مبتنی بر فرمایش معظم‌له، بزرگترین عامل تعیین‌کننده در جنگ شناختی، «اراده»ی دو طرف جنگ است. مؤید این ادعا، نگاه قرآن کریم به این موضوع است. در قرآن کریم نیز خدای متعال هرگاه می‌خواهد غایت آمال و آرزوهای یک جبهه برای غلبه بر دشمن را توصیف کند، از تعبیر «اراده» استفاده می‌کند. مثلاً هنگامی که می‌خواهد از هدف غایی جبهه حق در پایان تاریخ سخن بگوید، از مشیت الهی ناظر بر امام و وارث ساختن مستضعفین در آینده عالم، با واژه «اراده» یاد می‌کند:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»  
(قصص / ۵)

و یا هنگامی که می خواهد اوج خواسته های جبهه باطل را در کلام وحی بگنجانند، باز هم تعبیر «اراده» را به کار می گیرد:

«يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف / ۸)

مشاهده می شود که در فرهنگ قرآنی نیز اوج آرزو و خواسته هر جبهه (حق یا باطل) با واژه «اراده» نامیده می شود و این حقیقت، حکایت از این دارد که در هر جنگی — جنگ سخت یا نرم — اهداف واپسین هر کدام از دو طرف، آن هنگام محقق خواهد شد که بتواند بر نظام ادراکی و محاسباتی طرف مقابل، خصوصاً فرماندهان جبهه مقابل اثر بگذارد تا در نهایت اراده خود را بر طرف مقابل تحمیل نماید. این مرحله، نقطه اوج و مقطع پیروزی نهایی آن جبهه خواهد بود.

## جنگ شناختی، مرحله ای فراتر از جنگ سخت

در طول تاریخ، همواره ثابت شده است که پایه و مبنای جنگ سخت، جنگ شناختی است. به عنوان نمونه، در نبرد صفین، در واپسین روزهای جنگ که سپاه اموی، کار را تمام شده و شکست را بسیار نزدیک می دید، دست به حيله ای نرم برد تا بر نظام ادراکی مخاطبان خود — که همانا سپاهیان کوفه بودند — تاثیر بگذارد. بدین ترتیب با برنیزه کردن قرآن ها و فریب کوفیان، ورق برگشت و جنگی که می رفت تا به شکست قطعی سپاه شام بینجامد، به توقف جنگ و ماجرای حکمیت منتهی شد. در اینجا به راحتی روشن است که چگونه جنگ شناختی بر جنگ سخت فائق آمده و سرنوشت آن را در مقیاسی کلان تر تعیین نمود.

در جریان انقلاب اسلامی نیز جبهه باطل به سردمداری آمریکا، پس از آنکه دید نظام نوپای اسلامی، از بحران‌های بنیان‌گنی همچون جنگ تحمیلی ۸ ساله مقابل تمام دنیا سربلند بیرون آمده و دیگر امکان براندازی و ریشه‌کنی این انقلاب با اشکال سخت و نبرد نظامی وجود ندارد، سعی نمود با تغییر اولویت‌های مبارزاتی خود، این بار با استفاده از حوزه قدرت نرم و با کار کردن روی نظام محاسباتی مردم و مسئولین جمهوری اسلامی، بر آن‌ها اثر گذاشته و بدین ترتیب در بلندمدت، عدم مشروعیت نظام اسلامی و نهایتاً استحاله و فروپاشی آن را رقم زند.

این روند از آن جهت دارای اهمیت است که بدانیم، جنگ شناختی، مرحله‌ای فراتر و مهمتر از جنگ سخت است؛ چه بسیار سنگرهایی که در خلال جنگ سخت و با تلاش فراوان فتح نشده، اما به مدد جنگ شناختی و ابزارهای موثر آن و البته با صرف هزینه‌های مادی کمتر، به فتوحی موثر انجامیده است! فهم این موضوع، لزوم بررسی ابزارها و شگردهای رسانه‌ای دشمن را گوشزد می‌کند.

## ابزارهای و قالب‌های دشمن برای پیشبرد جنگ رسانه‌ای

با نگاهی کوتاه به جبهه‌ی رسانه‌ای دشمن، می‌توان به تنوع و گستره‌ی این جبهه پی برد. این جبهه با تکیه بر سه قالب متن، صوت و تصویر و نیز ترکیب هنرمندانه‌ی این قالب‌ها، طیف وسیعی از مخاطبان را تحت پوشش رسانه‌ای خود جای می‌دهد. از مهمترین پایگاه‌ها، قالب‌ها و ابزارهای رسانه‌ای دشمن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

خبرگزاری‌ها و وبسایت‌های خبری مطرح جهان، روزنامه‌های معتبر، رسانه‌های شنیداری همچون رادیوهای معتبر و باسابقه، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، صنعت سینما، استودیوهای مطرح فیلم‌سازی، شرکت‌های ساخت پویانمایی، کمپانی‌های بازی‌های رایانه‌ای، صنعت موسیقی و خوانندگان مطرح و نام‌آشنا، رسانه‌های متنی، کتاب، کتاب

صوتی، نرم افزارها و سخت افزارهای کتاب خوان، شبکه های اجتماعی، پیام رسان ها، پادکست، ویدئوهای مستند، مستندهای پژوهشی، ویدئوکامنت، موشن گراف، بازی های تعاملی برای کودکان و بزرگسالان، بازی های آنلاین، انیمیشن های کوتاه و بلند، عکس نوشته، پیام های متنی کوتاه و بلند، ویدئوهای سلفی، تالارهای چت آنلاین خصوصی و عمومی، همایش ها و نشست های علمی و رسانه ای در سطح گسترده و در بستر رسانه های پیش گفته و...

## شگردهای رسانه ای دشمن

دشمن از شگردهای رسانه ای گوناگونی برای تحقق اراده خود بهره می گیرد که در اینجا سعی خواهد شد به برخی از مهم ترین آن ها اشاره شود:

❖ **سکوت و بایکوت خبری:** در چنین شگردی، سعی می شود اصل مسئله در سکوت کامل خبری قرار گرفته و هیچ گونه خبری پیرامون آن انتشار نیابد.

❖ **حاشیه سازی و جنجال آفرینی و استفاده از ضد خبر:** در این شگرد، سعی می شود ابعاد مهم و جریان ساز مسئله، کماکان در سکوت خبری باقی مانده و در مقابل، برخی حواشی کم اهمیت مسئله برجسته شود؛ به عنوان نمونه، در مسئله پیاده روی اربعین، به جای مانور خبری روی سیل عظیم جمعیت میلیونی راهپیمایان، این مسئله به حاشیه رفته و مثلاً زباله هایی که در مسیر راهپیمایی روی زمین ریخته، پررنگ جلوه داده می شود و بر لزوم رعایت نظافت محیط زیست در خلال راهپیمایی تاکید می شود!

❖ **شبهه افکنی در مورد اصل مسئله انتخابات**

❖ **نمایشی نشان دادن انتخابات در ایران و تکیه بر فرمایشی بودن مجلس**

❖ **منفعل نشان دادن منتخبین مردم**

### ❖ تلاش برای اثبات گزاره «در راس امور نبودن مجلس»

❖ مقایسه مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی با مجالس گذشته‌ی پیش از انقلاب که تحت نفوذ دربار بوده و در برابر اراده شاه، کاملاً منفعل بودند.

### ❖ پررنگ نمودن و برجسته‌سازی برخی تخلفات محدود در حوزه‌های اخذ رای

❖ تلاش برای ابطال نتیجه انتخابات و شائبه تقلب در انتخابات در صورتی که طیف مورد نظر آنان رای نیاورد (همچون انتخابات سال ۸۸) و در مقابل، تلاش برای موجه نشان دادن انتخابات در صورتی که طیف مورد نظر آنان رای بیاورد؛ دشمن، خاصه به مدد رسانه‌های فارسی‌زبان، همواره این روند دوگانه و متناقض را در دستور کار خود دارد؛ به نحوی که هرگاه طیف سیاسی مد نظر آنان رای نیاورد، بر تخلفات گسترده و یا حتی تقلب در انتخابات (مانند سال ۸۸) تکیه کرده و به نتیجه انتخابات و رای مردم تمکین نمی‌کنند. اما هرگاه طیف سیاسی مد نظرشان رای آورد، ضمن نادیده انگاشتن کامل مباحثی همچون «صلاحیت نظام اسلامی در برگزاری انتخاباتی سالم» و یا «توفیق نظام در حفظ رای مردم به مثابه حق الناس»، تنها می‌کوشند اینطور القا نمایند که نتیجه انتخابات، خواست حقیقی ملت ایران بوده که از صندوق رای بیرون آمده است!

### ❖ حملات آفندی به جای پدافندی: این رسانه‌ها در بسیاری موارد، سوژه‌هایی را

مطرح کرده و روی آن موج سواری می‌نمایند که تا آن لحظه، رسانه‌های جامعه ایران به آن پرداخته‌اند و به نوعی هجمه دشمنان روی مسئله، جنبه آفندی و پیش‌دستانه پیدا می‌کند. این روند، لزوم پرداخت رسانه‌ای «پیش‌دستانه»ی نظام اسلامی را یادآور می‌شود، به نحوی که جمهوری اسلامی می‌بایست به جای آنکه به صورتی منفعلانه، تنها پاسخگوی حملات و شبهات نظام سلطه و شبکه ضدانقلاب باشد، سعی نماید خود آغازکننده‌ی برخی حملات در عرصه رسانه علیه جبهه مقابل باشد.

❖ هم‌افزایی رسانه‌های معاند، عامل مهمی در جهت تحقق اراده آن‌ها: یکی از علل مهم موفقیت جبهه دشمن در عرصه جنگ رسانه‌ای، هم‌افزایی و هماهنگی قابل توجه آن‌ها در مسائل گوناگون است؛ مثلاً اگر یک موضوع انتخاباتی را شبکه بی‌بی‌سی فارسی از جنبه سیاسی مطرح می‌کند، در کنار آن و به صورتی هماهنگ، شبکه من‌وتو اقدام به فضاسازی روی ابعاد فرهنگی و دیپلماسی عمومی آن می‌کند تا بدین نحو، اثرگذاری مسئله بر مخاطب، عمیق‌تر شود.

❖ خلط‌گزاره‌های درست و غلط با یکدیگر و نتیجه‌گیری موزیانه و زیرکانه از آن

❖ استفاده از «فیک نیوز»ها و شایعات برای بمباران روانی مخاطب

❖ بهره‌گیری حداکثری از اثر فیک نیوزها در نظام ادراکی مخاطب، حتی در صورت تکذیب آن‌ها از سوی رسانه‌های جبهه مقابل

❖ استفاده از گزاره حقی که در ابعاد کلان‌تر، از آن اراده‌ی باطل شود. (کلمة الحق یراد بها الباطل)

❖ برجسته‌سازی گفتار یا رفتار یک مسئول یا یک موثر اجتماعی جامعه ایران که در زمین آنان بازی کند.

## کنشگران اصلی

از آنجا که در مسئله‌شناسی «تحریم انتخابات» و «هجمه به شورای نگهبان»، طیف‌های مختلف کنشگران در مواجهه با نظام اسلامی در مسئله‌ی انتخابات، دسته‌بندی و ارزیابی شده است، لذا در اینجا و متأثر از مباحث گذشته، می‌توان همان دسته‌بندی را برای موضوع جنگ رسانه‌ای دشمن نیز در نظر گرفت.



## نگاشت اقدام

مخاطب: عامه مردم (تاکید بر طبقه متوسط و محروم)

## اهداف

تلاش برای سوق دادن مردم به سمت مشارکت گسترده و نیز انتخاب اصلح، در مقابل خواست دشمن در جنگ رسانه‌ای مبنی بر:

- واگرایی مردم از حکومت و تلاش برای کاهش سرمایه اجتماعی
- القاء پشیمانی از انقلاب اسلامی
- ایجاد تصور فروپاشی
- ناامیدی از توانمندی و کارآمدی نظام در حل مشکلات مردم
- متزلزل بودن پایه‌های انقلاب و عدم ثبات آن

## پیام

۱- واقعا چرا نظام سلطه و شبکه ضدانقلاب، آن مقداری که به انتخابات و سلامت و مشروعیت آن در جمهوری اسلامی ایراد می‌گیرد، به فرآیندهای مشابه در کشورهای دیگر - که چه بسا نسبت به ما بسیار هم ضعیف‌تر برگزار می‌شود - تا این حد خرده نمی‌گیرد؟!

۲- تصور فروپاشی، در طول این ۴۴ سال بارها و بارها از سوی افراد و نهادهای گوناگون معاند عنوان شده، اما اکنون ما کجا ایستاده‌ایم و آنانی که مدعی تحقق این تصور بودند کجا هستند؟!

۳- برای ابطال گزاره «ناتوانی و ناکارآمدی نظام در حال مشکلات مردم»، کفایت لاقابل یک مثال نقض بیاوریم؛ با تاکید بر اقدامات عملیاتی ملموس

۴- بی‌رحم‌ترین قدرت دنیا یعنی آمریکا با وجود همه تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در همه ابعاد نتوانسته است پیشرفت ملت ایران را مسدود کند

۵- ائتلاف آمریکا با کشورهای مرتجع منطقه برای آسیب زدن به جمهوری اسلامی نشانه عجز او در مقابله با نظام اسلامی است.

۶- القاء این نکته که: می توان «واگرایی مردم از حکومت» و «ریزش سرمایه اجتماعی» را با برگزاری انتخاباتی کارآمد و اثرگذار و رای دادن به نامزدهای اصلح، جبران نمود. مهم آن است که بدانیم انجام هرگونه تغییری در جامعه اسلامی با رفتن مردم به پای صندوق رای و انتخاب نامزدهای اصلح، شدنی و امکان پذیر است. مهم آن است که مردم خودشان بخواهند این تغییر را ایجاد کنند.

۷- **میزان پیشرفت و آبادانی و خدمت رسانی** در ابعاد امنیت عمومی نسبت به عمر جمهوری اسلامی و در قیاس با میزان دشمنی ها و حمله های دشمن، یک پدیده غیرطبیعی است.

۸- دشمن به دنبال تحریف و وارونه نمایی پیروزی ها و پیشرفت های جمهوری اسلامی است تا همت ها و اراده ها را برای حل مشکلات بی اثر کند و از بین ببرد دشمنی ها و جنگ های روانی دشمن با ایران به دلیل نظریات متفاوت انقلاب با طرح و نقشه نظام سلطه است.

## سیاست

۱. برجسته سازی مطالبات رهبری از مسئولین به صورت مداوم در جلسات خصوصی و دغدغه ایشان برای حل مشکلات مردم (خاصه نمایندگان مجلس)

۲. برجسته سازی تلاش های مسئولین برای حل مشکلات کشور و برون رفت از شرایط فعلی

۳. مراقبت شود که در آسیب شناسی موانع اصلی مشارکت گسترده در انتخابات، گزاره مقصر دانستن رهبری تقویت نشود

۴. مراقبت شود اقدامات عملی و انقلابی مسئولین سه قوه به ویژه سیستم قضایی در مواجهه با مفاسد و تخلفات در جهت ایجاد اعتماد به حاکمیت در آستانه انتخابات در رسانه‌ها پر رنگ شود

۵. در پرداخت‌های رسانه‌ای باید نقش آفرینی شبکه صهیونیستی، آمریکایی و منطقه‌ای در **جنگ رسانه‌ای** علیه مردم ایران با مصادیقی مشخص برجسته شود

۶. در عملیات رسانه‌ای باید بر اساس **نمایش واقعیات مغفول مانده** از پیشرفت‌ها و ظرفیتهای ایران، امید عمومی به آینده را تقویت نمود

۷. باید جریان رسانه‌ای جبهه انقلاب با نمایش هوشمندانه کاستی‌ها و نقش‌ها در اندازه واقعی آنها و نیز پتانسیل‌ها و راهکارهای غلبه بر آنها، با **راهبرد مبالغه‌گری دشمن** از مشکلات کشور در جنگ رسانه‌ای مبارزه کند و مانع از نشر ویروس بد بینی در آستانه انتخابات در جامعه شود

۸. نباید مدل و **مکانیسم مطالبه‌گری** و انتقاد کردن جبهه انقلاب از مسئولین به گونه‌ای باشد که مردم را از اصلاح و پیشرفت در آینده مأیوس کند بلکه نقادی همواره باید خیرخواهانه و چاره‌جویانه باشد

۹. باید در راستای **باورپذیر نمودن نقاط مثبت** در کشور و **ایجاد امید در مردم**، کنش‌های جریان انقلاب در مواجهه با جنگ رسانه‌ای دشمن به سمت حرکت فعالانه برود نه اقدام منفعلانه

۱- به تصویر کشیدن نقاط قوت نظام و تبدیل تهدید به فرصت در برخی مسائل (همچون موارد زیر) که بیشتر هم معطوف به حل مشکلات اقشار متوسط و محروم جامعه است؛ مثلاً:

- کمکهای بی دریغ نهادهای نظامی به مردم عادی در جریان کرونا، سیل و یا زلزله‌های چند سال اخیر؛

- کمکهای آستان قدس در برخی مناطق زلزله زده برای تجهیز آشپزخانه موقت و تدارک چند هزار وعده غذای گرم در روز برای مناطق زلزله زده...

- پررنگ نمودن اردوهای جهادی برای کمک به مناطق محروم؛

- برخی کارهای ارزشمند دولت در رسیدگی به مناطق محروم؛

- تساهل روزافزون قوه قضائیه با جرائم غیرعمد و بدهکاران خرد و در مقابل افزایش شدت عمل قوه در برخورد با جرائم بزرگ اقتصادی، امنیتی، سیاسی و...

۲- نمایش تلاشهای ۴۴ ساله نظام استکبار در حوزه جنگ رسانه ای به طرق مختلف به منظور جانداختن «تصور فروپاشی»؛ خصوصاً از سوی مقامات و شخصیت‌های آمریکایی یا صهیونیستی و یا حتی برخی مرتجعین منطقه همچون صدام حسین و... تا از این رهگذر ببینیم که ما اکنون کجا ایستاده‌ایم و آنانی که مدعی تحقق این تصور بودند، اکنون کجا هستند؟!

۳- پاسخ دادن به این پرسش که چرا نظام سلطه و شبکه ضدانقلاب، در راهبرد جنگ رسانه ای خود، آن مقداری که به انتخابات و سلامت و مشروعیت آن در جمهوری اسلامی

ایراد می‌گیرد، به فرآیندهای مشابه در کشورهای دیگر - که چه بسا نسبت به ما بسیار هم ضعیف‌تر برگزار می‌شود و یا حتی برگزار نمیشود. تا این حد خرده نمی‌گیرد؟! برای پاسخ به این پرسش، میتوان از یک یا چند مقایسه تطبیقی میان جمهوری اسلامی و برخی کشورهای دیگر، خصوصاً کشورهای مرتجع منطقه بهره‌گرفت؛ **کشورهایی که حتی یک فرایند انتخابات هم در طول چند ده سال گذشته نداشته اند!** مثلاً ریاض طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۵ یعنی حدود چهل سال، هیچ انتخاباتی برگزار نکرد و تازه نخستین انتخابات شوراهاى شهرداری‌هاى عربستان در سال ۲۰۰۵، بدون شرکت زنان برگزار شد!

۴- افزایش شدت حملات نظام سلطه در جنگ رسانه‌ای گویای این حقیقت است که نظام سلطه ما را در این جنگ شکست خورده نمیداند؛ وگرنه چه لزومی داشت که نظام سلطه به نظام سیاسی‌ای که در جنگ شکست خورده، انقدر حمله کند؟! لذا بزرگنمایی موفقیت نظام اسلامی در مقابله با این حمله‌های روزافزون رسانه‌ای، لازم و مهم است.

۵- **مرور تاریخی مصادیق تلاش دشمن در تطهیر چهره پهلوی**، خود دلیل محکمی است برای اثبات این مدعا که نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، درست در نقطه مقابل زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه سر برآورده است.

موضوع سوم

# تحریم انتخابات

## مساله شناسی

### درآمدی بر اهمیت انتخابات در نظام اسلامی

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، مقوله «انتخابات» به مثابه «حق» و «تکلیف» تعیین سرنوشت، همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق جمهوریت نظام اسلامی مطرح بوده است؛ به نحوی که جمهوری اسلامی، از ابتدای شکل‌گیری خود تا به امروز، با برگزاری حدوداً ۴۰ فرآیند انتخاباتی در طول ۴۴ سال، در شمار درخشان‌ترین نظامات سیاسی دنیا از حیث مشارکت ملی محسوب می‌شود.

اهمیت مسئله، به حدی است که امامین انقلاب اسلامی، در طول سالیان گذشته، بارها و بارها بر این مسئله و جایگاه آن در تحقق مردم‌سالاری دینی تأکید فرموده‌اند. به عنوان نمونه، حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرمودند:

«امروز شرکت در انتخابات ریاست جمهور نه فقط یک وظیفه اجتماعی و ملی است، بلکه یک وظیفه شرعی اسلامی و الهی است که شکست در آن، شکست جمهوری اسلامی است، که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگترین واجبات و فرایض است و وسوسه در آن از شیطان بلکه عمال شیطان بزرگ است.»<sup>۱</sup>

همچنین مقام معظم رهبری با اشاره به اهمیت انتخابات به عنوان یک «نعمت» بزرگ الهی، در اینباره می‌فرمایند:

<sup>۱</sup> پیام حضرت امام (ره) خطاب به ملت ایران در آستانه سومین انتخابات ریاست جمهوری، ۲ مهر ۱۳۶۰.

«انتخابات واقعاً نعمت بزرگی است. این هم از برکات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود. کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند [وقتی] حکومت اسلامی است، انتخابات لزومی ندارد؛ امام فرمود نه، انتخابات باید باشد و منشأ اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند، مردم انتخاب کنند و آنچه مردم می‌خواهند بشود. نتیجه‌ی این سیاست، این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمدالله باقی مانده‌اند؛ چون خود مردمند که دارند انتخاب می‌کنند، خود مردمند که دارند تصمیم می‌گیرند. انتخابات نعمت بزرگی است.»<sup>۲</sup>

## مشارکت حداکثری در انتخابات، اولویت اصلی نظام

حقیقت آن است که اولویت اصلی نظام اسلامی در این خصوص، «مشارکت حداکثری» مردم در تعیین سرنوشت کشور است. به همین سبب نظام اسلامی و در رأس آن رهبری نظام، همواره با صداقت تمام، در تشویق حداکثری اقشار مختلف برای حضور در پای صندوق‌های رأی کوشیده‌اند؛ فارغ از آنکه اسامی خارج شده از صندوق، تا چه میزان با ایده‌آل‌های جمهوری اسلامی فاصله داشته باشد. به عنوان نمونه، مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«شرط اول [در انتخابات] شرکت همگان است؛ همه بیایند. بنده [قبلاً] هم این را به همه گفتم که آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حتی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خوب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این ملت عزت داده است؛ این‌ها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ [پس] وارد این میدان بشوند برای عزت بخشیدن به ایران و ایرانی،

<sup>۲</sup> بیانات معظم‌له در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴ دی ۱۳۹۴.



برای استمرار امنیت ملی، برای تضمین پیشرفتی که بحمدالله از اول انقلاب شروع شده و تا امروز بی وقفه پیش رفته؛ برای اینها باید وارد بشوند. همه باید وارد بشوند.»<sup>۳</sup>

مبتنی بر این فرمایش معظم له، اولویت اصلی برای هر انتخاباتی، حضور حداکثری اقشار مختلف مردم در پای صندوق ها است و مسائل دیگر، در درجه ی بعدی اهمیت قرار می گیرد. به عنوان نمونه، ممکن است بسیاری از مردم، با نظام سیاسی فعلی و مبانی نظری آن، مسئله داشته باشند و انتخاب حاصل از آراء آنان، در سبب رأی نامزدی برود که انطباق کمتری با آرمان های انقلاب اسلامی دارد؛ اما این موضوع در مقایسه با اصل مشارکت حداکثری، جنبه ی فرعی پیدا خواهد کرد.

مضاف بر آن، کشاندن مردم از طیف های گوناگون به پای صندوق های رأی، نشان از هنر نظام اسلامی است؛ زیرا که نظام با اتخاذ این راهبرد اصولی، این تصویر را به مخاطب القا می کند که نفس حضور مردم در پای صندوق — فارغ از آنکه به کدام فرد یا جناح سیاسی رأی دهند — گویای اعتمادشان به حاکمیت و نظام اسلامی بوده و نهایتاً، مهر تأییدی است بر مشروعیت نظام و با این منطق، هر قدر حضور آحاد مردم پای صندوق ها بیشتر باشد، به تبع آن، نظام از مشروعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار خواهد شد و بدین گونه، حربه «عدم مشروعیت» نظام که همواره از سوی جبهه ضدانقلاب علیه انقلاب اسلامی مطرح می شود، از دستانش خارج خواهد شد.

### **«تحریم انتخابات»، راهبردی برای تحقق هدف بزرگتر «براندازی نظام»**

اگر «براندازی نظام جمهوری اسلامی» به عنوان هدف غایی نظام سلطه و جریانات ضدانقلاب تصور شود، این جبهه برای تحقق هدف خود، از راهبردهای گوناگونی بهره می جوید که راهبرد «تحریم انتخابات» را می توان یکی از مهمترین آن ها دانست.

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۳۰ دی ۱۳۹۴.

نظام سلطه و شبکه معاند جمهوری اسلامی - اعم از سلطنت طلبان، منافقین، دولت‌های متخاصم، ضدانقلاب و نفوذی‌های آنان در داخل و خارج از کشور - پس از آنکه دیدند نظام نوپای اسلامی از همان اوایل پیروزی انقلاب تا کنون، از بحران‌های بنیان‌گنی همچون جنگ تحمیلی ۸ ساله مقابل تمام دنیا و نیز بحران‌های سیاسی و امنیتی گوناگون در سال‌های بعد، سربلند بیرون آمده و دیگر امکان براندازی و ریشه‌کنی این انقلاب وجود ندارد، سعی نمودند با تغییر اولویت‌های مبارزاتی خود در مواجهه با نظام، سیاست «تحریم انتخابات» را در پیش گیرند تا این بار با استفاده از حوزه قدرت نرم و با کار کردن روی نظام ادراکی مخاطب ایرانی، او را از رفتن به پای صندوق رأی منصرف نمایند و بدین ترتیب در بلندمدت، مشروعیت نظام اسلامی را به واسطه همین مشارکت پایین مردم زیر سؤال برده، تدریجاً ماهیت انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن را از درون تهی نمایند تا به خیال خود، استحاله جمهوری اسلامی را رقم زنند.

## مخاطب اصلی راهبرد تحریم انتخابات

مخاطب این راهبرد در نگاه اول، تمامی مردمی هستند که در نظام جمهوری اسلامی دارای شرط رأی‌دهندگی بوده و بالقوه، توان شرکت در انتخابات را دارا هستند و در صورت مشارکت هرچه بیشتر، مشروعیت نظام اسلامی را تضمین خواهند کرد. اما با نگاهی عمیق‌تر و با بهره‌گیری از الگوی سه‌گانه «انقلابی»، «بی‌تفاوت نسبت به انقلاب» و نهایتاً «ضدانقلاب»، شاید بهتر بتوان مخاطبان اصلی این راهبرد را شناسایی نمود؛ زیرا که اگر مبتنی بر این الگو، طیف سوم را در زمره «کنشگران اصلی» این راهبرد در نظر گرفته (و نه مخاطبان) و طیف انقلابی را نیز به عنوان طیفی در نظر بگیریم که در مقابل این راهبرد و تکانه‌های آن، عموماً تاثیر ناپذیرند، اما طیف دوم که اتفاقاً بخش

اعظم جامعه ایران را شامل می‌شوند، مخاطب اصلی این راهبرد دشمن خواهند بود و بیشترین اثرگذاری دشمن در صورت موفقیت، بر روی این طیف خواهد بود.

## کنشگران اصلی این راهبرد

در صدر کنشگران این راهبرد، نظام سلطه به سرکردگی آمریکا جای دارد و دولت‌های متخاصم با جمهوری اسلامی نیز در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند. پس از آن‌ها، مهمترین و البته فعالترین این کنشگران، اپوزیسیون و جریان ضدانقلاب خارج‌نشین هستند که به مدد رسانه‌های فارسی‌زبان خود اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و دیگر قالب‌های رسانه‌ای، بر نظام ادراکی مخاطب خود در ایران اثر می‌گذارند. نکته حائز اهمیت در این میان این است که بسیاری از عوامل و کارگزاران این جنس از کنشگران، ایرانی‌الاصل بوده و به همین سبب، شناخت دقیقی از روانشناسی مخاطب خود دارند که در میان آن‌ها، بیش از همه می‌توان به طیف سلطنت‌طلب، منافقین، پناهندگان سیاسی، برخی مسئولین فراری جمهوری اسلامی و مواردی از این دست اشاره کرد. از جمله رسانه‌های این طیف از کنشگران می‌توان به بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو فردا، دویچه‌وله فارسی، شبکه من و تو و ایران اینترنشنال اشاره کرد. در مرحله بعد، برخی چهره‌ها یا خرده‌جریان‌های سیاسی منتقد نظام قرار دارند که اگرچه در درون نظام اسلامی تعریف می‌شوند و وجهه‌ی قانونی دارند، اما در بسیاری از پروژه‌های بزرگ سیاسی — ملی همچون انتخابات، رفتاری شبیه به اپوزیسیون خارج‌نشین از خود بروز داده و خواسته یا ناخواسته، در پازل آنان بازی می‌کنند؛ به عنوان نمونه، برخی طیف‌ها یا چهره‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب را می‌توان در این زمره دسته‌بندی نمود که در آستانه هر انتخاباتی، بر تنور عدم شرکت در انتخابات دمیده و عملاً پازل تحریم انتخابات را تکمیل می‌نمایند. **بهانه اینگونه خرده‌جریان‌ها برای تحریم انتخابات عموماً این موارد است:**

۱- قبول نداشتن عدالت نظام اسلامی در برگزاری انتخابات ۲- شائبه تقلب در انتخابات  
۳- نپذیرفتن نظارت استصوابی شورای نگهبان ۴- قائل بودن به مهندسی انتخابات از  
سوی حاکمیت یا جریان‌ها نزدیک به آن ۵- قهر سیاسی، ناامیدی از اثرگذار بودن رأیشان  
در سرنوشت آتی کشور و... در مرتبه بعدی، **مؤثرین اجتماعی** قرار می‌گیرند که شامل  
طیفی از مؤثرین غیر سیاسی کشور بوده که با تفکرات، اظهارات و بعضاً رفتارهای خود،  
بخشی از بدنه اجتماعی را با خود همراه می‌کنند. به عنوان نمونه، «سلبریتی‌ها» در این  
مرتبه از کنشگران قرار می‌گیرند که با مدد گرفتن از فضای مجازی، امروزه بسیار جریان‌ساز  
بوده و با موضعگیری خود در خصوص شرکت یا عدم شرکت در انتخابات، طیف نسبتاً  
وسعی از مردم را به پای صندوق کشانده و یا از پای صندوق دور می‌کنند. با این اوصاف،  
طبعاً اتخاذ رویکرد تحریم انتخابات از سوی اینگونه مؤثرین اجتماعی، به تحقق این  
راهبرد در میان طیف نسبتاً وسیعی از مردم منجر خواهد شد.

## تحریم انتخابات و زمینه‌های موجود

اساساً بحث تحریم انتخابات همچون بسیاری از مسائل دیگر کشور، امری نیست که در  
خلأ اتفاق افتاده و بی‌تأثیر از فرآیندهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشد.

به عنوان نمونه، اگر حضور منطقه‌ای ایران در برخی کشورهای غرب آسیا — که از بُعد  
امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی و نیز افزایش عمق راهبردی حائز اهمیت بسیار است — از  
طریق شبکه کنشگران پیش‌گفته این‌طور القا شود که «این حضور، برای گسترش هژمونی  
ایران در منطقه بوده و هدف جمهوری اسلامی از این حضور، خرج کردن سرمایه‌های  
ملت مظلوم ایران در سوریه، لبنان، فلسطین و... است»، آنگاه طرح این مسئله در آستانه  
انتخابات — که مشروعیت نظام اسلامی را نشانه می‌رود — منجر به تحریم انتخابات از سوی  
جامعه هدف و نتیجتاً کاهش مشارکت خواهد شد.

با ذکر این مثال، اثرگذاری مسائل پیرامونی بر فرآیند انتخابات کشور، امری قطعی و مهم  
است. این در حالی است که در این سال‌ها تحریم‌ها به شدیدترین شکل ممکن ادامه

داشته و ایران در معرض سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته و دشمن با سیاست فشار حداکثری، در حال تلاش برای اثرگذاری بر مخاطب ایرانی است. یا به عنوان نمونه‌ای دیگر، اجرای طرح گرانی اینترنت یا مطرح شدن اخبار سه‌نرخ شدن بنزین در آستانه انتخابات، ابعاد و پیامدهایی برای کاهش مشارکت در نظام اسلامی به بار می‌آورد که شاید از مجرای ناکارآمد جلوه کردن قوه مقننه و مجریه باشد. طبیعی است مردمی که در چند سال اخیر، زیر بار فشارهای اقتصادی اعم از تحریم‌های هدفمند غرب، کاهش ارزش پول ملی، کاهش توان خرید خانوار و نهایتاً مشکلات عدیده معیشتی، کمر خم کرده‌اند، برایشان بسیار دشوار خواهد بود که گرانی‌ها را بیش از این تحمل کنند.

طبعاً اجرای نادرست این طرح در کنار مشکلات عدیده اقتصادی، پالس مثبتی خواهد بود به شبکه معاند نظام تا از این رهگذر، بتواند بر ناامیدی هرچه بیشتر مردم از بهبود اوضاع کشور افزوده، بدین ترتیب اینطور القا کند که نظامی که توان بهبود معیشت و کیفیت زندگی مردمش را ندارد، دیگر آمیدی به اصلاح روندهایش نبوده و لذا رأی دادن به فرآیندهای سیاسی و انتخاباتی چنین نظام ناکارآمدی، به هیچ جایی نخواهد رسید! با القاء نرم، هوشمندان و تدریجی چنین گزاره‌ای، به مرور زمینه‌ی هرچه بهتر برای تیر خلاص که همانا تحقق تحریم انتخابات است، فراهم خواهد شد.

## اهداف

تبیین چرایی شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در ابعاد:

- ۱- تاثیرگذاری بر مقوله امنیت و آینده کشور
- ۲- راهکار اصلی در اصلاح وضعیت اقتصادی و معیشتی
- ۳- استفاده از حق و تکلیف فردی و اجتماعی
- ۴- نقش آفرینی موثر در اداره کشور
- ۵- شرط لازم جهت تحقق مردم سالاری دینی
- ۶- متضمن همبستگی ملی و عرق ایرنی اسلامی به منظور اختلال در راهبرد دشمن مبنی بر تحریم انتخابات

## پیام

۱. شرکت گسترده در انتخابات یکی از مهم ترین و تاثیر گذارترین راهکارها در اصلاح وضعیت موجود می باشد.
۲. عدم شرکت حداکثری در انتخابات سبب تضييع حقوق فردی و اجتماعی افراد می گردد چرا که در این صورت حق انتخاب خود را به دیگری داده است (اگر انتخاب نکنیم دیگران برای ما انتخاب میکنند)
۳. مبتنی بر تجربیات تاریخی حضور گسترده در انتخابات همواره باطل کننده برنامه ریزی های دشمنان در برهم زدن امنیت و اقتدار ملی است.
۴. در صورتی که شرکت در انتخابات اهمیت نداشته باشد چرا دشمنان از ماهها قبل، سرمایه گذاری وسیعی را جهت کاهش مشارکت و نیز تحریم انتخابات بکار میگیرند.

۵. دشمنان مدعی حمایت از حقوق بشر با تحریم انتخابات عملاً دشمنی خود را با دموکراسی و مردم سالاری به صورت آشکارا برآز میدارند (#دشمن\_دموکراسی)

۶. شرکت در انتخابات موجب تقویت عرق ملی و انسجام همبستگی و.. می شود حضور مردم پای صندوق رای تا حدود زیادی تامین کننده منافع حزبی و فردی آنهاست.

## سیاست

۱. در پرداخت رسانه ای نباید بیان مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم مورد غفلت قرار گیرد

۲. سعی شود جهت باور پذیری مردم، مصادیق منفعت دشمن از تحریم انتخابات برجسته شود.

۳. مصادیق مهم تاثیر حضور مردم در انتخابات به تصویر کشیده شود.

۴. به صورت هنرمندانه و به طور ضمنی اهداف برخی جریانات داخلی در مساله تحریم انتخابات تبیین گردد.

۵. در عملیات رسانه ای باید مساله امنیت ملی به عنوان دال مرکزی مقابله با تحریم انتخابات لحاظ شود.

۶. باید گلایه ها و انتقادات مردمی از وضعیت موجود در کنار ترغیب آنها به شرکت در انتخابات توامان مدنظر قرار گیرد.

۷. باید از دو قطبی های کاذب و رایج ایام انتخابات که باعث دور شدن از اهداف اصلی می شوند پرهیز شود.

۱. بررسی سیر تاریخی کشورهای که مورد تحریم انتخابات واقع شده اند ولی مردم آنها با حضور در پای صندوق رای تحریم‌ها را باطل نمودند (تاکید بر نقش مردم در این ایده اهمیت دارد)

۲. مروری عمیق بر چهل و چند سال تحریم انتخابات توسط نظام سلطه و متقابلاً بیان سرنوشت و احوالات کنشگران اصلی مساله تحریم در مقاطع مختلف تاریخ که امروز در هیچ جایگاه و وجهی در مناسبات سیاسی اجتماعی ندارند (جمهوری اسلامی اما در طلایه گام دوم انقلاب در حال تدارک سومین انتخابات ش می باشد)

۳. ترند هشتگ #دشمن-دموکراسی در جهت نشان دادن استاندارد دوگانه دشمن در مواجهه با مفهوم دموکراسی

۴. مقایسه تطبیقی بین سازوکار انتخاباتی ایران (که در آن رای یک روستایی با یک فردی که در طبقه بالای جامعه قرار دارد، برابر است) با مشخصاً کشور آمریکا به عنوان عامل اصلی راهبرد تحریم که انتخاباتی با شرایط پیچیده و فاقد عدالت و برابری رای برای افراد دارد.

۵. بزرگنمایی این واقعیت که در انتخابات مجلس به واسطه پیرنگ بودن شرایط منطقه‌ای (شهری و روستایی) و گفتمانی (قبیله‌ای و جناحی) در تصمیم مردم برای حضور در پای صندوق‌های رای، عملاً تحریم انتخابات از سوی دشمن به مثابه آب درهاون کوبیدن است





موضوع چہارم

# مجلس ترازگام دوم

## مساله‌شناسی

### ضرورت صدور بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی که اکنون در ابتدای دهه پنجم از عمر بابرکت خود به سر می‌برد، در طول ۴۰ سال گذشته با نقاط قوت و ضعف بسیار و در عین حال انواع فرصت‌ها و تهدیدات مواجه بوده است. در این میان، بروز و ظهور بسیاری از نقاط ضعف و نیز تهدیدات، سبب شده تا انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای ذی‌شعور و پویا، تحت مدیریت رهبری هوشمند و زمان‌شناس، به فکر تصحیح مسیر خود پس از گذران این ۴۰ سال بیفتد. درست با همین رویکرد است که با پایان یافتن ۴۰ سالگی این انقلاب و ورود آن به دهه پنجم از عمر خود، نیاز به وجود سندی بالادستی و متمرکز، بیش‌ازپیش احساس می‌شود تا نخبگان، متأثر از آن، وظایف خود را برای ورود به دهه پنجم انقلاب، به نحو احسن درک نمایند.

همچنین در سال‌های اخیر، اگر جریان انقلابی مدعی آن بود که ارکان نظام اسلامی می‌بایست با «آرمان‌های اصیل انقلاب» منطبق و هم‌آهنگ باشد، اما شاید سند بالادستی متمرکز و به‌روزی برای جمع‌بندی این آرمان‌ها در اختیار نداشت و هر فرد یا گروهی، به فراخور تلاش و فهم خود، سعی داشت این آرمان‌ها را تبیین کند. اما با صدور بیانیه گام دوم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری، این سردرگمی و واگرایی در میان نیروهای انقلابی پایان یافت و بدین ترتیب، اکنون با سندی مواجه هستیم که می‌خواهد «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» انقلاب اسلامی را ترسیم نماید.

## لزوم اتخاذ رویکردی تمدنی به بیانیه گام دوم انقلاب

حقیقت آن است که بر مبنای نگاه ۵ مرحله‌ای مقام معظم رهبری برای دست‌یابی به «تمدن نوین اسلامی»، ملت ایران با گذار ۴۰ ساله از مقطع پیروزی انقلاب تا کنون، ۲ مرحله‌ی «انقلاب اسلامی» و «نظام اسلامی» را پشت سر گذاشته و اکنون در میانه‌ی مرحله سوم یعنی «دولت‌سازی» به سر می‌برد و آنچه که نقشه‌ی راه ما را برای عبور از این مرحله و سپس «جامعه‌سازی» و نهایتاً «تمدن‌سازی» ترسیم خواهد کرد، همانا بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران است؛ بیانیه‌ای که قرار است انقلاب اسلامی را به آرمان بزرگش که همانا «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)» است، نزدیک نماید.

با این توضیحات، داشتن «نگاه تمدنی» به انتخابات پیش رو، لازمه‌ی اصلی تحقق مجلسی در تراز گام دوم انقلاب خواهد بود؛ زیرا که ملت ایران، تنها با داشتن نگاهی بلندمدت و در ابعاد تمدنی است که ارزش و اهمیت انتخاب خود را برای ساختن مجلسی کارآمد درک خواهد کرد.

## اهمیت شکل‌گیری مجلسی جوان مبتنی بر بیانیه گام دوم

اگر بار دیگر به شاکله‌ی کلی بیانیه گام دوم انقلاب نگاه کنیم، مشاهده خواهد شد که مخاطب اصلی این بیانیه، «جوانان» هستند؛ جوانانی که در مقطع حساس فعلی و در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب، عاملی اثرگذار در تحقق اهداف کلان این انقلاب بوده و انقلاب، لابد از آن است که برای برداشتن گام‌های بعدی خود، به آنان اعتماد نماید. اگر این تکیه ویژه به جوانان در سند بیانیه گام دوم را در کنار آن جمله از مقام معظم رهبری قرار دهیم که فرمودند: «زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده

کنید...»، شاید بتوان اینطور نتیجه گرفت که راه رسیدن به دولتی جوان و حزب‌اللهی، از مسیر یک «مجلس جوان و حزب‌اللهی» می‌گذرد و لذا ورود جوانان، آن هم جوانان انقلابی به عرصه تصمیم‌سازی کشور، مقدمه ورود آنان به عرصه تصمیم‌گیری مدیریت کشور خواهد بود.

همچنین ذکر این نکته ضروری می‌نماید که بیانیه گام دوم انقلاب، در شرایطی صادر شده است که نسل‌های اول و دوم انقلاب، به تدریج توان و چالاکی لازم جهت تصدیق پست‌های مدیریتی و اجرایی کشور را از دست داده و لذا نیاز به جایگزینی آنان، نیازی جدی و حیاتی است؛ در عین حال با نسلی از انقلاب مواجه هستیم (نسل سوم انقلاب) که در سال‌های آغازین فعالیت اثرگذار خود در عرصه مدیریت کشور بوده و لذا می‌طلبند که فرآیند جایگزینی نسل اول و دوم انقلاب با این نسل جدید، هرچه زودتر صورت گیرد. لذا این بیانیه، در چنین شرایطی صادر شده تا اهمیت این جایگزینی را به نخبگان و حتی مخاطب عام، گوشزد نماید.

## رابطه میان بیانیه گام دوم انقلاب و سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

از آنجا که بیانیه گام دوم انقلاب، سندی بالادستی اما بسیار کلی است، لذا همانند هر سند بالادستی دیگری نیازمند اسناد دیگری است که ضمانت اجرای آن را برعهده گیرند. در این میان شاید بتوان از سند «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» در چنین جایگاهی نام برد که در قیاس با بیانیه گام دوم، عملیاتی‌تر و ناظر به جزئیات بیشتری است.

در مقدمه سند الگوی پیشرفت، هدف از تدوین این سند، ترسیم «افق مطلوب کشور برای پنج دهه آینده» عنوان شده است و در یکی از بندهای ابلاغی آن، مجلس شورای اسلامی مورد خطاب قرار گرفته است؛ مقام معظم رهبری در بند مذکور می‌فرمایند:

«مجلس شورای اسلامی با نگاه ملی به بررسی سند حاضر پردازد و نکات ضروری برای ارتقای آن را بعنوان سند بالادستی قوانین برنامه‌ای کشور پیشنهاد نماید و تمهیدات لازم را برای تهیه و تصویب طرح‌ها و لوایح برنامه‌ای در چارچوب نسخه نهایی آن مقرر سازد.»

لذا با عنایت به این بند از مقدمه سند الگوی پیشرفت و نیز لحاظ کردن این سند به عنوان سند اجرایی و عملیاتی بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهمترین وظایف و کارکردهای کلان مجلس آتی، التزام عملی به پایش مستمر و هدفمند تحقق بندهای سند الگوی پیشرفت است.

## هست‌ها و بایدهای جریان‌ات و کنشگران مهم در قبال بیانیه مذکور

در رابطه‌ی میان مجلس آتی و بیانیه گام دوم انقلاب، مهم است که بدانیم جریان‌ات و کنشگران مهم سپهر سیاست کشور، هرکدام چه رویکردی را در قبال این بیانیه اتخاذ می‌کنند. به عنوان نمونه، به نظر می‌رسد جریان‌ات اصلاح طلب، اهتمام خاصی به این موضوع نداشته و عمدتاً در میانه‌ی دغدغه‌های سیاسی و جناحی خود سیر می‌کنند. اما در مقابل برخی طیف‌های جریان اصولگرا، خصوصاً جوانان، سعی دارند فضای انتخابات آتی مجلس را با بیانیه گام دوم انقلاب گره زده و بدین ترتیب مطالبه‌گری خود را در این عرصه به انجام رسانند؛ ضمن آنکه باید توجه داشت که انتخابات آتی، نخستین انتخابات نظام اسلامی است که پس از انتشار این بیانیه برگزار می‌شود.

در این میان همچنین باید به برخی کنشگران فراجناحی و نسبت آن‌ها با بیانیه نیز اشاره نمود که به عنوان نمونه، شورای نگهبان یکی از مهمترین این کنشگران است که می‌تواند با تکیه بر برخی مولفه‌های نظارتی خود همچون «جوانگرایی»، راه را برای ورود جوانان به

صحن بهارستان هموارتر نموده و در مقابل، رویکرد سختگیرانه‌تری را برای ورود چهره‌های سالخورده به مجلس اتخاذ نماید

با مراجعه به متن بیانیه گام دوم انقلاب و رصد فرازهای گوناگون آن، می‌توان برخی شاخص‌ها را که متضمن شکل‌گیری مجلسی کارآمد بوده و در حقیقت مجلسی در تراز بیانیه گام دوم انقلاب را رقم می‌زند، برشمرد؛ برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از:

- التزام جدی و عملی مجلس شورای اسلامی به شعارهای بنیادین انقلاب اسلامی، از جمله: استقلال، آزادی، عدالت، رفع فقر و فساد و تبعیض، دشمن‌شناسی و ضرورت فهم نقشه دشمن و مقابله‌ی مؤثر با آن، حمایت از مستضعفین و آرمان قدس شریف.

- توجه ویژه به «اقتصاد مقاومتی» و ضرورت تصویب قوانینی متناسب با آن و سپس بازخوردگیری مستمر از دولت به منظور نظارت بر حسن اجرای آن قوانین

- ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی

- التزام به تفکر و عمل جهادی و تحول خواهانه

- توجه ویژه به مقوله «جوان‌گرایی» در ساختار مجلس

- وجود یک فراکسیون مستقل و یا کارگروهی ذیل کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس جهت پایش مستمر و هدفمند تحقق بیانیه گام دوم و سند الگوی پیشرفت در مقیاس مجلس

- پرهیز از به تأخیر انداختن بررسی مسائل مهم کشور و یا سپردن بی‌برنامه‌ی برخی تصمیمات به مجالس آتی

**مخاطب: عامه مردم** (منظور از عامه مردم همه کسانی هستند که به نوعی با فضای مجازی مرتبط می‌باشند اما فعل آنها تاثیر مستقیم در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کلان کشور ندارد.)

### اهداف

ظرفیت‌سازی و گفتمان‌سازی به منظور عملی شدن تکالیف و مفاد بیانیه در راستای کمک به مشارکت حداکثری و انتخاب اصلاح و زمینه‌سازی تشکیل مجلس کارآمد و انقلابی با تمرکز بر مولفه‌هایی مانند: انگیزه، امید، مسئولیت‌پذیری و...

### پیام

۱. رسیدن به قله‌های پیشرفت در عرصه‌های مختلف مستلزم درک صحیح مردم از نقش و جایگاه موثرشان در آینده انقلاب اسلامی است.

۲. عدم نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های سرنوشت‌ساز همچون انتخابات موجب از بین رفتن زمینه‌های قدرت‌آفرین کشور می‌شود.

۳. تاریخ چهل و چهار ساله انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که هر جا پیشرفتی ملموس حاصل شده که مشکلات مردم و جامعه را حل نموده ناشی از حضور مسئولین متعهد متخصص در آن عرصه بوده است (انتخاب اصلاح).

۴. مبدا و منشا حل چالش‌های فعلی و مواجهه موثر با تهدیدات پیش‌رو حضور موثر و با انگیزه مردم در این میدان است.



## سیاست

۱- پرهیز از مواجهه جناحی چنین مسائل کلان و ملی به گونه ای که منجر به جبهه گیریهای سیاسی شود

۲- پرداخت مصداقی به نقش همبستگی و اراده ملی در عبور از گردنه های سخت ۴۴ سال عمر انقلاب و نیز نشان دادن راه حل های مشکلات به صورت ملموس و باور پذیر با استفاده از تبیین نقش مشارکت حداکثری در این فقره.

۳- استفاده حداکثری از نخبگان داخلی و خارجی در رسانه ها در راستای تبیین تکالیف و مفاد بیانیه به جهت تحقق هدف ذکر شده.

۴- پرهیز از استفاده از مفاهیم غیر واقعی و غلو آمیز نسبت به مردم و نقش آنها در مواجهه با بیانیه گام دوم.

۵- باید مصداق عینی و مشخص از نقش مؤثر مردم در حل مشکلات پیش روی کشور و حرکت به سمت پیشرفتهای تحول آفرین در ۴۴ سال به صورت کاملاً ملموس نمایش داده شود.

۶- پرهیز از ایجاد یا تشدید دو قطبی های تنش زای اجتماعی.

۷- پرهیز از نگاه تک بعدی و لزوم پرداختن به همه ابعاد بیانیه گام دوم اعم از ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ....

۱- بررسی تطبیقی و مرور تجربیات کشورهای دیگر در زمینه استفاده از افراد متخصص در امورات قانون گذاری و به تصویر کشیدن رشد جهشی و چشمگیر حاصل شده از این سیاست کلان در کشورهای مزبور.

۲- برجسته سازی بیانات متعدد رهبر انقلاب در یک دهه گذشته حول نقش مردم در سرنوشت کشور و تصویرسازی عینی و ملموس از راهکارها و سیاستهای ایشان.

۳- تولید محتوا حول مجلس تراز-گام-دوم و همچنین ترند نمودن این هشتگ.



موضوع پنجم  
نقش آفرینی موثرین اجتماعی

## مسئله شناسی

در معرفی «موثرین اجتماعی»، از تعاریف گوناگونی می توان استفاده کرد. اما فارغ از هرگونه تعریف، موثرین اجتماعی از حیث کارکردی، در چندین شاخصه مشترک هستند که به واسطه آن ها، از سایر اقشار جامعه متمایز می شوند؛ این مشترکات عبارتند از:

۱. صاحب تریبون هستند؛ بدین معنا که در فضای مجازی یا فضای واقعی (و یا هر دو) تشکیلات رسانه ای دارند؛

۲. به تناسب میزان اثرگذاریشان بر مخاطب، تعدادی طرفدار یا دنبال کننده دارند؛

۳. کنش و واکنش آنان در مسائل گوناگون، منشأ اثر بوده و در لایه مخاطبشان، نفوذ می کند؛

۴. بعضاً در جایگاه «الگو» هستند؛

۵. در مواردی، مسئله زا هستند؛ بدین معنا که می توانند برخی مسائل را برای نخستین بار طرح نمایند؛ یا اینکه خاصیت جریان سازی و یا موج آفرینی بر یک سوژه خاص را دارند؛

۶. دارای تشکیلات و شبکه منسجم هستند؛

۷. در مواردی، به شبکه قدرت متصل هستند؛

۸. در شمار «گروه های مرجع» محسوب می شوند؛

۹. در برخی موارد، مولد محتوای دسته اول هستند و در موارد دیگر، قابلیت افزودن ارزش افزوده ای موثر را بر محتواهای تولید شده دارند.

...و

## ◀ نسبت موثرین اجتماعی با مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی

شاید با بهره‌گیری از الگوی چهارگانه «انقلابی»، «بی‌تفاوت نسبت به انقلاب»، «غیرانقلابی» و نهایتاً «ضدانقلاب»، بهتر بتوان مخاطبان اصلی نگاشت فعلی را تعیین نمود:

**طیف اول (انقلابی):** آن دسته از موثرین اجتماعی هستند که مبانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را پذیرفته و اصطلاحاً دل در گرو این انقلاب دارند. انقلاب را — که مطلع آن به ۴۴ سال گذشته باز می‌گردد — با وجود برخی کاستی‌هایش در اجرا، باور دارند و هیچگاه مشکلات و کاستی‌های عمر انقلاب را به حساب پشیمانی و یا عناد نسبت به اصول و مبانی بنیادین انقلاب نمی‌گذارند.

**طیف دوم (بی‌تفاوت نسبت به انقلاب):** آن دسته از موثرین هستند که گویی خود را در خلأ احساس می‌کنند. یعنی گویی باور ندارند که می‌بایست نسبت به مسائل و تحولات پیرامونی در عرصه سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل حساس بوده و باید در قبال آن‌ها موضع داشت. فلذا خود را مبرای از تحولات سیاسی داخلی و خارجی تصور کرده و ترجیح می‌دهند نسبت به مسائل پیرامونی، موضعگیری نکنند. به عنوان نمونه بازیگری که نسبت به تحولات پیرامونی و مثلاً موضوع انتخابات، هیچگونه موضعگیری خاصی ندارد و یا مثلاً نسبت به مسائل مرتبط با انقلاب اسلامی بی‌تفاوت است و به نوعی شاید برایش فرقی نمی‌کند که در عصر جمهوری اسلامی بازی کند یا عصر شاه. و اصطلاحاً هنر را برای هنر می‌خواهد و قائل به پیوست ارزشی برای مفهوم هنر نیست — احتمالاً در این دسته جای می‌گیرد.

**طیف سوم (غیرانقلابی):** موثرینی هستند که علی‌رغم زاویه داشتن با مبانی انقلاب و آرمان‌های نظام اسلامی، درون نظام اسلامی و به عنوان شهروند جامعه ایران محسوب

می‌شوند و این ویژگی اخیر، یکی از وجوه تمایز اصلی آنها با طیف چهارم است (که در ادامه خواهد آمد). این طیف از سویی برخلاف طیف دوم، نسبت به مسائل پیرامون شان بی تفاوت نبوده و خود را ملزم به موضعگیری می‌دانند؛ اما از سوی دیگر نسبت به طیف چهارم، ملایم‌تر بوده و برخلاف آن‌ها، اصطلاحاً شمشیر را از رو نبسته‌اند، بلکه هنوز برخی مبانی و آرمان‌های انقلاب را باور دارند.

**طیف چهارم (ضدانقلاب)** نیز همانگونه که از نامشان پیداست، اساساً مبانی و آرمان‌های نظام اسلامی را قبول نداشته و شاید در نقطه مقابل، از سر عناد و ضدیت با نظام اسلامی، از هرگونه کنش یا واکنشی که در فضای حقیقی یا مجازی، نوک پیکانش به سوی تضعیف و تخریب نظام اسلامی باشد، استقبال می‌کند.

## موثرین اجتماعی و انتخابات و نحوه مواجهه با آنها

مبتنی بر این دسته‌بندی چهارگانه، باید دید نحوه مواجهه ما و سیاست‌ها و رویکردهای ما به عنوان رسانه جبهه انقلاب با این دسته‌های چهارگانه باید چگونه باشد تا آنان را وادار به ایفای نقش موثرشان در انتخابات پیش رو نماییم؟

اگر هدف غایی در انتخابات را سوق دادن عامه مردم به سمت مشارکت گسترده و نیز انتخاب اصلح (به ترتیب) بدانیم و در واقع مخاطب نهایی عامه مردم باشند، در این میان «موثرین اجتماعی» را باید به مثابه حلقه واسطی دانست که می‌بایست به طریقی هنرمندانه، مردم را به حاکمیت متصل نموده و موجبات این مشارکت گسترده و انتخاب اصلح را فراهم آورند.

**الف)** برای مجاب کردن طیف اول به انجام وظیفه خطیرشان جهت سوق دادن مردم به پای صندوق‌های رای و تلاش برای رای دهی به نامزد اصلح، به نظر می‌رسد که کار

رسانه‌های جبهه انقلاب به مراتب راحت‌تر از طیف‌های بعدی باشد؛ زیرا که موثرین این طیف، اساساً مبانی و آرمان‌های نظام مردم‌سالار دینی و به تبع آن، مشارکت در انتخابات را به عنوان حق و تکلیف باور داشته و نیازی نیست که آنان را برای مشارکت گسترده تهییج نمود، زیرا خودشان به قدر کافی برای این امر توجیه هستند. اما شاید لازم باشد که افراد منتسب به این طیف، قدری در خصوص لایه عمیق‌تر یعنی انتخاب اصلح توجیه شوند تا اثرگذاریشان بر جامعه هدف عمیق‌تر شود.

ب) در خصوص قشر دوم کار کمی پیچیده‌تر است. زیرا که فرض بر این است که این طیف نسبت فعالی با انقلاب اسلامی و مبانی و آرمان‌های آن نداشته و لذا برای کشاندن او به سمت ایفای نقش خطیرش برای انتخابات، می‌بایست با احتیاط و ظرافت بیشتری وارد عمل شد. به عنوان نمونه، در مورد اینگونه افراد، خیلی نباید روی مسائل ایدئولوژیک و یا مباحثی که رنگ و بوی سیاسی دارد، تاکید کرد و بهتر است برای هر دسته از افراد این طیف، مثلاً از در تخصصشان وارد شده و روی آن مانور داد. مثلاً در خصوص برخی اساتید دانشگاه، بهتر آن است به جای آنکه مثلاً از وظیفه وی به عنوان یک شهروند مسئول برای شرکت در انتخابات به مثابه شاخصی برای تحقق مردم‌سالاری دینی یا مفاهیمی از این دست سخن به میان آید (مفاهیمی که گاهی اوقات نه تنها اثر مثبت نداشته، بلکه ممکن است حتی نوعی حس تدافعی را نیز در طرف مقابل ایجاد نماید)، در این خصوص صحبت شود که: «آقای استاد دانشگاه! خیلی خوب است که شما سرکلاس درس یا در نهادهای علمی دیگر، به لزوم رای دهی به کاندیداهایی سخن بگویید که اگر بیابند، مثلاً سطح علم و فن‌آوری را در محیط آموزش عالی ایران بالا خواهند برد و به رشد شتاب علمی کشور کمک خواهند کرد.» با این تهییج، در واقع با یک تیر دو نشان زده‌ایم: نخست آنکه در لایه اول، ضریب نفوذ نقش او به مثابه یک موثر اجتماعی را در جهت تشویق جامعه مخاطبش برای شرکت در انتخابات بالا برده‌ایم و دوم آنکه در لایه‌ای عمیق‌تر و در لفافه و با ظرافت،



ضرورت رشد شتاب علمی کشور را که یکی از مطالبات مهم رهبر معظم انقلاب از جامعه علمی کشور است، به طریقی نامحسوس و غیرمستقیم به وی گوشزد کرده‌ایم.

همچنین می‌توان در این طیف، با انگشت گذاشتن روی مطالبات عمومی مردم که کمتر رنگ و بوی سیاسی و انقلابی داشته اما در عین حال مهم است، در او نسبت به مسئله انتخابات ایجاد دغدغه کرد. مثلاً برای طیفی از موثرین اجتماعی که بیشتر با بدنه مردم مواجه هستند، میتوان از لزوم رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم در شرایط سخت اقتصادی از سوی نمایندگان مجلس سخن گفت تا مخاطب بهتر بتواند با رسانه ملی در این خصوص ارتباط برقرار کند.

ج) همانگونه که ذکر شد، این طیف (طیف سوم) برخلاف طیف قبلی، نسبت به مسائل پیرامون شان بی تفاوت نبوده و خود را ملزم به موضعگیری می‌دانند؛ اما از سوی دیگر نیز هنوز برخی مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی را باور دارند. لذا می‌توان با تکیه بر همین ویژگی اخیر، از همان باورهای حداقلی این طیف در جهت جنبانیدن حس دغدغه او برای حساس شدن نسبت به وظیفه‌اش در قبال انتخابات بهره جست. مثلاً می‌توان از تحریک عواطف او در خصوص حس وطن دوستی و عرق ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران به مثابه یکی از مولفه‌های «هویت ملی» مدد جست. اینکه مثلاً جمهوری اسلامی توانسته با حفظ تمامیت ارضی ایران در جنگ ۸ ساله، بر تحقیری ۲۰۰ ساله پایان دهد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«در دوران پهلوی و قاجار هر جنگی اتفاق افتاد، یا دشمنان بخشی از خاک کشور را تجزیه کردند و یا خودشان حضور نظامی در کشور پیدا کردند و ملت را تحقیر کردند. برای اولین بار، ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله توانست جبهه‌ی وسیع دشمن را بکلی ناکام

کند، آنها را از کشور بیرون براند، تمامیت ارضی کشور را حفظ کند؛ معنای اقتدار این است...»

همین ادعای معتبر و تاکید بر توان جمهوری اسلامی در حفظ تمامیت ارضی است که می‌تواند محملی برای جلب نظر این طیف به سمت ایفای نقششان در قبال نظام اسلامی باشد که طبعاً انتخابات، یکی از این نقش‌های خطیر است. اثر معجزه‌آسای چنین ادعاهایی را می‌توان در مواردی همچون ستایش محمود دولت‌آبادی، نویسنده مشهور طیف روشنفکر ایران از سردار قاسم سلیمانی مشاهده نمود؛ آنجا که کارآمدی چشم‌گیر نظام اسلامی در برخی حوزه‌ها، برای نظام سرمایه اجتماعی بیشتری جذب کرده و افراد را خصوصاً از طیف دوم و سوم، به ایفای نقششان ترغیب کرده یا لاقلاً حس دغدغه‌مندی آنان را برای ایفای نقش در انتخابات، تحریک می‌نماید.

۵) طیف چهارم و آخر نیز همانگونه که از ویژگی‌هایشان پیداست، درست در جبهه مقابل انقلاب قرار گرفته و لذا به هیچ روی نمی‌توانند مخاطب نگاشت ما به عنوان یک موثر اجتماعی مثبت برای جامعه ایران قلمداد شوند؛ بلکه اینان در واقع در شمار کنشگران ضدانقلاب دسته‌بندی می‌شوند که صحبت در خصوص آنان و راهبردهایشان برای مقابله با نظام اسلامی و به طور خاص مسئله انتخابات، در نگاشت‌های قبلی با عناوین «تحریم انتخابات»، «جنگ رسانه‌ای دشمن» و «هجمه به شورای نگهبان» مفصلاً بحث شده است.

## نگاشت اقدام - مخاطب: موثرین اجتماعی

### اهداف

دغدغه مند نمودن (ایجاد انگیزه در) موثرین اجتماعی به منظور ایفای نقش با اهمیت آنها در تحقق مشارکت گسترده در انتخابات و نیز انتخاب اصلح، در مقابل خواست دشمن از آن‌ها مبنی بر عدم ایفای چنین نقشی

### پیام

۱. مبتنی بر واقعیات کشورهای پیشرفته، برای تحقق جامعه ای آرمانی، موثرین اجتماعی به مثابه بازیگر اصلی باید در هر عرصه‌ای به سهم خود برای ایجاد تغییر در سرنوشت ملت مشارکت نمایند و «انتخابات» هم یکی از همین عرصه‌ها است.

۲. موثرین اجتماعی، اثرگذاری بسزایی بر ذهن و درک مخاطب خود دارند. باید حواسشان باشد که کوچکترین فکر، حرف یا عملشان، می‌تواند به هزاران یا حتی میلیون‌ها نفر جهت‌دهی نماید؛ پس خیلی باید حواسشان جمع باشد و هر حرفی را نزنند یا هرکاری را نکنند.

۳. با تکیه بر عنصر «هویت ملی»، انتخابات باید به عنوان فرآیندی که موجب عزت و سربلندی بیشتر ایران است، منعکس شود.

۴. انتخابات، تامین کننده امنیت ملی و یکپارچگی کشور است.

۵. یکی از نتایج رای ندادن، احتمال ورود کسانی به مجلس است که با خواسته‌های شما (موثرین اجتماعی) فاصله زیادی دارند.

## سیاست

۱. می‌توان برای هر فرد از این قشر، از درِ تخصص مربوط به او وارد شد و از منظر تخصص، او را به انتخابات و اثرگذاری‌اش بر مخاطب در این باره ترغیب نمود.

۲. در کار رسانه‌ای باید دقت شود که این تصور برای مخاطب پیش نیاید که گویی انتخابات متعلق به شخص رهبری بوده و منتسب به اوست؛ بلکه باید طوری پرداخت شود که این انتخاب، متعلق به تمام ملت ایران است، نه شخص رهبری.

۳. پیام نباید به گونه‌ای باشد که شبهه «اجبار» به نقش‌آفرینی مثبت را القا کند.

۴. باید دقت شود که پیام‌های تولیدی برای مخاطب این نگاهت — که به طور خاص موثرین اجتماعی هستند — باید به گونه‌ای تنظیم و پرداخت شود که در صورت رسیدن احتمالی به دست مخاطب عام (عامه مردم)، مشکلی ایجاد نشده و مخاطب عام سوء برداشت نکند.

## ایده تولید

۱. برجسته سازی نقش موثرین در انتخاب روحانی به عنوان مصداق عینی در نتیجه تصمیم آنها برای جامعه با پرداخت رسانه ای

۲. به تصویر کشیدن این گزاره که شرایط کشور ایران برای درآمدزایی و کار اقتصادی و خصوصاً تسهیلات مالیاتی، شرایطی سهل در قیاس با بسیاری از کشورهای دیگر دنیا است؛ لذا نباید تصور کنند که اگر مهاجرت کنند، در آنجا زندگی خیلی راحتتری از حیث اقتصادی خواهند داشت. پس اگر اینجا برایشان بهتر است — که قطعاً هست — باید سعی کنند به مناسبات سیاسی این سرزمین احترام گذاشته و نسبت به آن بی تفاوت نباشند؛ قطعاً انتخابات نیز یکی از همین مناسبات محسوب میشود.

۳. در برخی اقشار مخاطب، خصوصاً بی تفاوتان نسبت به انقلاب، میتوان با تکیه بر نفع و ضرر شخصی مخاطب، او را به نقش آفرینی مثبت در انتخابات ترغیب نمود. مثلاً به برخی موثرین وعده داد که اگر به صورتی هنرمندانه مخاطبانشان را به سمت مشارکت در انتخابات و انتخاب اصلح سوق دهند، مثلاً ساعت بیشتری از آنتن تلویزیون در اختیار آنها قرار خواهد گرفت.

۴. می توان اینفلوئنسرها را مجاب کرد که اگر آنها هم تلاش کنند، می توانند نمایندگان را از طرف صنف خود راهی مجلس نمایند تا حامی منافع و مطالبات آنان در مجلس باشد.

موضوع ششم

# قانون گرای

## مسئله‌شناسی

اهمیت حضور «قانون» در جوامع بشری امری بدیهی است؛ به نحوی که قاطبه اندیشمندان علوم اجتماعی، به فرض نبودن قوانین صحیح، بدقانونی را بر بی‌قانونی ارجح می‌دانند.

طبعاً انتخابات به عنوان یک فرآیند سیاسی - اجتماعی نیز از این قاعده عقلی مستثنی نبوده و لزوم رعایت مَرِّ قانون در تمامی مراحل هر انتخابات، بر کسی پوشیده نیست و می‌طلبد تا هر کدام از «اقشار» درگیر در این مانور مهم سیاسی - اجتماعی، به نحو احسن و بر اساس قوانین مربوطه، به انجام وظایف محوله مبادرت ورزند.

از جمله این اقشار می‌توان به مسئولین نظام اسلامی - اعم از دولتی و غیردولتی - نامزدهای انتخاباتی، طرفداران نامزدها، موثرین اجتماعی و دست‌آخ‌ر عامه مردم اشاره کرد.

مسئولین نظام که شامل مدیران سطوح کلان و میانی و نیز تمام مسئولین درگیر در امر انتخابات می‌شوند، باید بر اساس مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با انتخابات‌های گوناگون به انجام وظایف محوله در این خصوص بپردازند. لازم به ذکر است مجموعه کامل قوانین و مقررات انتخاباتی مربوط به تمام دستگاه‌های دولتی و غیردولتی - اعم از سیاست‌های کلی انتخابات، قوانین و مقررات مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری، قوانین و مقررات مرتبط با انتخابات مجلس و... همگی در [وبگاه پژوهشکده شورای نگهبان](#) قابل دسترس است.

## محاسن پایبندی به قانون در انتخابات

انتخابات به مثابه شمشیری دولبه برای یک نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی عمل می‌کند. به دیگر سخن، این فرآیند سیاسی-اجتماعی یکی از آن زمینه‌هایی است که هم می‌تواند مایه‌ی اعتلاء و آبروی نظام اسلامی بشود و هم می‌تواند عامل ایجاد ضعف و سستی و بروز مشکلات در کشور باشد؛ اگر مشارکت گسترده بود، آحاد مردم با رعایت حدود اسلامی، قانونگرایی، نظم و اخلاق در این فرآیند مهم شرکت کردند و همین صفات و خصوصیات از سوی مسئولین نظام اسلامی، نامزدهای انتخاباتی، طرفداران نامزدها، موثرین اجتماعی و... نیز رعایت شد، آنگاه می‌توان ادعان کرد که این فرآیند، مایه‌ی آبرو و عزت نظام جمهوری اسلامی بوده است؛ اما به عکس، اگر در شرح وظایف هرکدام از اقشار پیش‌گفته تخطی از حدود و موازین اسلامی پیش آمد یا آنان دچار قانون‌شکنی شده و یا با بی‌نظمی و بد اخلاقی سیاسی وارد کارزار انتخاباتی شدند، در آن صورت، انتخابات به ضرر کشور و مردم تمام خواهد شد.

از جمله ابعاد برگزاری یک انتخابات قانونمند و سالم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انتخابات به مثابه فرصتی در جهت «تمرین قانون‌مداری» برای اقشار مختلف جامعه محسوب می‌شود.
- انتخابات بهانه‌ای برای افزایش شور و شوق سیاسی مردم است.
- برگزاری انتخاباتی سالم، حداکثری، اثرگذار و تعیین‌کننده برای مسیر پیشرفت کشور، تنها با رعایت مَرّ قانون در تمامی مراحل پیش، حین و پس از برگزاری میسر خواهد بود.
- در جریان انتخابات، باید تمام گفتمان‌های سیاسی، حزبی و... همگی به گفتمان بزرگتری با عنوان «گفتمان قانون‌گرایی» تمکین کرده و آن را بر خود اولی بدانند.



## برخی مصادیق عدم پایبندی به قانون در انتخابات

همانگونه که گذشت، پایبندی به قانون، امری عقلی بوده و کسی در خصوص اهمیت و نقش آن در پیشبرد مناسبات سیاسی کشور شک ندارد. با این مقدمه، زیر پا گذاشتن قوانین، به تمسخر گرفتن آن، سبک شمردن و کم‌اهمیت جلوه دادن آن، ایجاد شبهات مغرضانه در خصوص مشروعیت آن، برخورد سلیقه‌ای با قانون، عدم التزام عملی به آن، عدم تمکین به قانون و... از جمله رفتارهایی است که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای کشور و نظام اسلامی به همراه داشته باشد.

به عنوان نمونه می‌توان به انتخابات ریاست جمهور در سال ۸۸ اشاره نمود که عده‌ای با قانون شکنی و عدم تمکین به خواست ملت و سازوکارهای قانونی کشور، به صف‌آرایی غیرقانونی علیه نظام پرداختند. رفتارهای غلط آن روزها از سوی برخی افراد، احزاب و یا عوامل آن‌ها در کف خیابان، موجب وارد آمدن خسارات بسیاری به کشور و نظام اسلامی شد که مهمترین آن‌ها نیز در بیان مقام معظم رهبری در همان ایام خاطرنشان شده است. از جمله این خسارات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اگر چنانچه با قانون شکنی عده‌ای، به شیوه‌ای درست و درخور برخورد نشود، ممکن است در فرآیندهای مشابه بعدی، تبدیل به یک «رویه» ی غلط شود. آن وقت دیگر تصحیح چنین قانون شکنی‌های به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

### • امیدوار کردن جبهه دشمن:

یکی از بزرگترین گناهان قانون شکنان در هر انتخاباتی، امیدوار نمودن دشمنان است؛ به عنوان نمونه در پی وقایع فتنه ۸۸، مقام معظم رهبری در فرمایشاتی در سال ۸۹ با اشاره به این گناه بزرگ فتنه‌گران فرمودند: «گناه بزرگی که برخی از دست‌اندرکاران فتنه‌ها در کشور انجام می‌دهند، امیدوار کردن دشمن است؛ دشمن را امیدوار می‌کنند که می‌تواند منفذی در بین مردم، در بین عوامل گوناگون، در بین مسئولان نظام باز کند. دشمن سال گذشته با کارهای این‌ها امیدوار شد؛ در حالی که آن انتخابات عظیم،

آن حضور به آن عظمت، آن شرکت عظیم مردم در انتخابات، می‌توانست کار را خیلی پیش ببرد و ملت ایران را در بسیاری از میدان‌های سیاسی موفق کند. اینها ایجاد فتنه کردند؛ لذا دشمن که از حرکت عظیم مردم مأیوس می‌شد، امیدوار شد که بتواند به انقلاب صدمه و ضربه بزند.» (بیانات در دیدار جمعی از مردم استان گیلان، ۸ دی ۸۹)

- پیش بردن جامعه به سمت اغتشاش و ناامنی
- تلاش برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی از درون
- تلخ کردن کام مردم پس از شادی بزرگ مشارکت بی‌سابقه در انتخابات (در سال ۸۸)
- هتک آبروی نظام در مقابل ملت‌ها و نابود کردن حادثه افتخارآمیز انتخابات پرشور ۸۸
- تهمت زدن به نظام اسلامی
- خدشه به رأی مردم و نفی آن به مثابه زیر پا گذاشتن «حق الناس»
- تلاش برای تغییر نتایج قانونی انتخابات با زور خشونت و اردوگشی خیابانی
- سرپیچی از راه‌های معقول قانونی
- بازیچه دشمن شدن و تکرار کردن حرف‌ها و مواضع دشمن
- دعوا به راه انداختن و مضطرب کردن ملت
- تمکین نکردن به قانون و رأی مردم
- بی‌زاری نجستن از آشوبگران و آشوبگران را به عنوان بخشی از بدنه معترضین دانستن
- انتخابات را نمایشی، مظهر استبداد، اختلافات و دوگانگی و چندگانگی وانمود کردن
- ایجاد تلاطم و گرفتن آرامش عمومی و ثبات از ملت
- ایجاد هزینه و زحمت برای کشور و مردم
- تلاش برای قراردادن مردم در مقابل نظام
- قرار دادن کشور در لبه‌ی پرتگاه خشونت، خونریزی بر سر قدرت، اختلافات و جنگ داخلی

## نگاشت اقدام — مخاطب اول: عامه مردم

### اهداف

۱. آگاه شدن مردم از رعایت قوانین انتخابات و پرهیز از رأی دادن بر مبنای ملاک‌های غیرقانونی (پولی و ...) و خودداری از همراهی نامزدها برای جمع‌آوری رأی از راههای غیرقانونی
۲. آگاه ساختن مردم از تخلفات احتمالی نامزدها (در زمان تبلیغات انتخاباتی، روز انتخابات و بعد از آن)
۳. توانمند سازی و تشکیل شبکه‌های مردمی گزارش‌دهی تخلفات انتخاباتی

### پیام

۱. رأی دادن به نمایندگان می‌بایست بر اساس تعقل، صلاحیت و قانونمداری داوطلب باشد.
۲. رأی دادن بر مبنای معیارهای دیگر (غیر از معیارهای قانونی)، موجب تضییع حق‌الناس خواهد شد.
۳. نامزدی که از طریق راه‌های نامتعارف و غیرقانونی برای خود رأی جمع‌آوری کند، در دوران نمایندگی هم‌کاری برای مردم نخواهد کرد.
۴. اساساً یکی از شاخصه‌های خوب برای سنجش اصلح بودن یا نبودن یک نامزد، ارزیابی او بر اساس میزان پایبندی‌اش به قانون است.
۵. راه‌های متعددی برای اعلام تخلفات نامزدها و مجریان برگزاری انتخابات وجود دارد.

## سیاست

۱. نتایج رای دادن‌های نادرست و غیرقانونی در سرنوشت آینده خود رای‌دهندگان نشان داده شود.
۲. پرداختن به موضوع قانون‌گرایی به گونه‌ای نباشد که به اصل رای دادن و مشارکت حداکثری خللی وارد کند. مثلاً به مسائل قومی، قبیله‌ای و... که حساسیت‌برانگیز است، با دقت و ظرافت پرداخته شود.
۳. بیان تخلفات نامزدها به گونه‌ای نباشد که شائبه رایج بودن و عمومیت این نوع رفتارها در بین همه نامزدها را ایجاد کند و موجب عادی جلوه کردن آنها شود.
۴. اخلاق انتخاباتی به عنوان مفهومی فراتر از قانون‌گرایی معرفی شده و اخلاق‌گرایی در تبلیغات انتخاباتی به عنوان یک مطالبه عمومی جلوه داده شود.

## مخاطب دوم: نامزدها

### اهداف

۱. تذکر به نامزدها برای عملکرد قانونی در تبلیغات و فرآیند جمع‌آوری آرا و ... تا پایان دوران انتخابات

### پیام

۱. ثبت نام در انتخابات به معنای پذیرش قوانین انتخابات کشور (از جمله تایید صلاحیت نمایندگان در شورای نگهبان) است و می‌بایست بعد از اعلام صلاحیت‌ها هم به قوانینی که پذیرفته‌ایم پایبند باشیم.
۲. تکلیف هر نامزد شرکت در انتخابات و رقابت قانونی است و نه کسب نتیجه.
۳. ارزش پیروزی در انتخابات به رقابت جوانمردانه در چارچوب قانون است.

## مخاطب سوم: کارگزاران انتخابات

### اهداف

۱. تضمین سلامت فرآیند انتخابات از ابتدا تا انتها

### پیام

۱. رای مردم به مثابه حق الناس است و حفاظت از آن ضرورت دارد.
۲. انتخابات به مثابه شمشیری دولبه برای یک نظام سیاسی عمل می‌کند؛ اگر مشارکت با قانونمندی همراه باشد، موجب اعتلاء و آبروی نظام بوده و اگر همراه با قانون شکنی باشد، آنگاه موجب متضرر شدن نظام سیاسی خواهد شد.
۳. قانون، مسیر اعمال سلايق را مسدود می‌کند.
۴. یکی از تاکتیکهای ضدانقلاب برای ایجاد تشکیک در سلامت انتخابات، دست گذاشتن روی مبادی قانونی انتخابات و فرآیندهای مرتبط است.

### ایده تولید

۱. معرفی قوانین انتخاباتی به ویژه قوانین مربوط به دوران تبلیغات و روز رای گیری با زبانی ساده و با محتوایی جذاب و عامه پسند
۲. معرفی و اطلاع رسانی در مورد مصادیق تخلف نامزدها و کارگزاران انتخاباتی به صورت اینفوگرافی، عکس نوشت و...
۳. تولید کلیپ هایی با گرایش طنز در قالب انیمیشن و... در نقد رای دادن بر مبنای ملاک های نادرست و غیرقانونی همچون فروش رای و ...

موضوع هفتم

# کارنامه خوانی

## مساله شناسی

«علم» اگر به دنبالش «عمل» نباشد، خاصیت لازم را نخواهد داشت؛ هر قدر ابعاد این علم و عمل متناظر با آن نیز بزرگتر باشد، در این صورت، «عامل» نبودن، خسارات به مراتب بزرگتری به جامعه خواهد زد.

شبيه به همین منطق در خصوص کسانی صدق می‌کند که حرفی را می‌زنند اما بدان عمل نمی‌کنند؛ لحن قرآن کریم برای تخطئه چنین افرادی، سنگین و قابل تامل است:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید!» (صف/۲)

لذا صراحت آیه قرآن نیز تایید می‌کند که گفتن یک حرف، دادن یک وعده و سپس عمل نکردن بدان، امری بسیار ناشایست است و می‌طلبد که افراد جامعه، خصوصاً موثرین اجتماعی و مسئولین امر، نسبت به چنین مسئله‌ای آگاه باشند.

توجه به همین بُعد از انتخابات، لزوم توجه جدی نامزدها به مسئله «وعده‌های انتخاباتی» و ضرورت پیگیری شان نسبت به آن را گوشزد می‌نماید.

اهمیت «کارنامه خوانی» نامزدهای انتخابات ایجاب می‌کند که عملکرد نامزدها در آستانه انتخابات مورد واکاوی جدی مردم و موثرین اجتماعی قرار گرفته تا هم مردم به عملکرد آن‌ها واقف باشند و هم موثرین اجتماعی با ارزیابی درست کارنامه‌ها و انعکاس آن به مردم، بهتر بتوانند مردم را در مسیر انتخاب اصلح یاری نمایند.

## بازخوانی برخی مولفه‌ها در بررسی کارنامه نامزدها

مسئولین ذی‌ربط در امر انتخابات، بیشتر درگیر امور قانونی مربوط به آن هستند و اساساً وظیفه‌شان ایجاب نمی‌کند که تمرکز چندانی روی کیفیت کارنامه‌ی نامزدهای انتخاباتی داشته باشند؛ بلکه تنها موظف هستند صلاحیت حداقلی فرد را مبتنی بر مَرّ قانون بررسی کرده و دیگر کاری با تفصیل کارنامه گذشته افراد ندارند؛ بلکه در واقع این «مردم» و «موثرین اجتماعی» هستند که می‌توانند به عنوان مخاطب اصلی نگاشت حاضر تلقی شوند؛ طیف‌هایی از جامعه که می‌بایست «کارنامه» عملکرد افراد را مبنای رأی دادن در نظر گیرند. البته این سخن به معنای رفع مسئولیت از مسئولان ذی‌ربط در خصوص وظیفه‌شان مبنی بر در دسترس قرار دادن این کارنامه‌ها نیست که می‌بایست به نحو احسن به این وظیفه عمل نمایند.

در اینجا لازم است به برخی مولفه‌هایی اشاره شود که می‌تواند به کارنامه‌خوانی هرچه بهتر مخاطبین مذکور (مردم و موثرین اجتماعی) کمک کند:

- در کارنامه‌خوانی، هم «کارنامه نظری» نامزدها باید بررسی شود و هم کارنامه عملی آن‌ها؛ چه بسیار نامزدهایی که کارنامه نظری قابل قبولی داشته و حتی از حیث مبانی نظری انقلابی‌گری نیز مثبت هستند، اما در عمل برای کار نمایندگی مجلس مناسب نیستند؛ به عکس، چه بسیار نامزدهایی که کارنامه عملی قابل قبولی داشته و در عمل به وعده‌هایشان ثابت قدم بوده‌اند، اما جهت مبانی فکری و نظری آن‌ها به سمتی است که در بلندمدت، مسیر حرکت نظام اسلامی را منحرف می‌کند؛ نمونه بارز این حالت را می‌توان در صاحبان تفکر «تکنوکراسی» جستجو کرد، افرادی که عملگرایی برایشان اصالت داشته و چه بسا با مبانی نظام الهی و اسلامی زاویه دارند.



خلاصه بحث آنکه در بررسی صلاحیت افراد، می‌بایست کارنامه نظری و عملی آن‌ها، توأمان بازبینی شود.

- پیرو بند گذشته، اگرچه ممکن است اظهارات افراد در شناخت هرچه بهتر آنان موثر باشد، اما نباید از نظر دور داشت در بررسی کارنامه افراد نباید صرفاً به مواضع سیاسی، جناحی و حتی فن سخنوری او بسنده نمود، زیرا که تجربه نشان داده که بسیاری افراد، در مقام اظهارنظر و سخن گفتن، بسیار مثبت هستند، حتی مثلاً توان مناظره، مجادله و استدلالی بسیار قوی دارند، اما الزاماً در مقام عمل کارآمدی و عملکرد چشمگیری از آن‌ها دیده نمی‌شود. این موضوع باید در هنگام بررسی کارنامه افراد مورد توجه جدی قرار گیرد.

- در بررسی سابقه افراد باید دقت شود که در مناصب قبلی‌شان، تا چه حد توانسته‌اند به شعارها و وعده‌های خود جامه عمل بپوشانند؟ اگر پاسخ مثبت باشد، می‌توان این فرد را صاحب کارنامه خوبی از حیث عملکرد گذشته ارزیابی نمود و اگر پاسخ به این پرسش، ناامیدکننده باشد، می‌توان اذعان کرد که چنین فردی، قطعاً در آینده نیز عملکرد سازنده‌ای از خود بروز نخواهد داد.

- باید در بررسی عملکردها، به آن دسته از نامزدهایی که با هیاهوی بسیار پا به عرصه رقابت می‌گذارند، به دیده تردید نگریست. ممکن است نامزدی تبلیغات فراوان کند، وعده‌های بسیار و حتی غیرعملی بدهد، هزینه‌های گزافی برای مطرح شدن خود بپردازد و در یک کلام، به شکلی عمل نماید که چشم‌ها را در مرحله تبلیغات، به خود خیره کند، اما واقعیت چیز دیگری است؛ یعنی مثلاً در عمل با فردی مواجه هستیم که می‌خواهد نا کارآمدی خود را در پشت ظاهر سازیِ پرسروصدایش مخفی کند. در چنین مواردی، توجه دقیق‌تر به عملکرد گذشته، بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

- در بررسی سوابق افراد، باید دید آیا فرد مورد نظر، پله‌های سیاست‌ورزی و آمادگی برای نماینده شدن را به ترتیب طی کرده یا اینکه به ناگاه می‌خواهد یک شبه ره صدساله را پیماید؟! اگر در بررسی‌های خود به فردی برخوردیم که دیدیم به سبب مهیا بودن برخی زمینه‌ها (تبلیغات فریبنده، رانت، منابع مالی هنگفت و...)، ناگهان از یک منصب نه‌چندان مهم، می‌خواهد نامزد نمایندگی مجلس شود، به نظر می‌رسد چنین فردی — حتی اگر حداقل‌های لازم جهت اخذ تایید صلاحیت مراجع نظارتی را هم داشته باشد - در نهایت بازهم مناسب تکیه بر کرسی‌های بهارستان نباشد.

- اگر نامزد انتخاباتی قبلاً هم نماینده مجلس بوده، برای بررسی کارنامه عملکرد، شایسته است بستری عمومی فراهم شود تا کارنامه وی از حیث میزان فعالیت مفید و سازنده‌اش در دوره نمایندگی — جهت آگاهی افکار عمومی از میزان فعال بودن یا منفعل بودن این شخص - در دسترس همگان قرار گیرد: اینکه در دوره قبلی، چقدر در جلسات تخصصی کمیسیون‌ها و یا صحن علنی، تاخیر یا غیبت داشته، در نطق‌های پیش از دستور یا میان دستور چقدر مشارکت داشته، چقدر در کمیسیون تخصصی‌اش فعالیت عملی مثبت داشته، تا چه حد نماینده حاشیه‌سازی بوده و... اگر امکان فراهم کردن چنین بستری خصوصاً در فضای مجازی مهیا باشد (که بتواند عملکرد نمایندگان را از حیث این مولفه‌ها بررسی کرده و نوعی آمارگیری در این خصوص داشته باشد) قطعاً کمک شایانی به مردم در انتخاب اصلح صورت خواهد گرفت. لازم به ذکر است بحث «شفافیت آرای نمایندگان» نیز که عاقبت تصویب یا عدم تصویب آن در هاله‌ای از ابهام است، در همین پازل قابل بررسی است؛ به عنوان مثال چه بسا اگر مردم یک منطقه بدانند که نماینده حوزه‌شان در دوره قبل، بیشترین رأی ممتنع را در میان آرای مأخوذه به خود اختصاص داده، آنگاه نظرشان درباره انتخاب مجدد این فرد تغییر یابد.

- یکی از شاخصه‌های نماینده مردم، باید میزان دسترسی راحت مردم حوزه‌ی مربوطه به وی باشد. نماینده‌ای که پل‌های ارتباطی‌اش با مردم را مسدود می‌کند، یا به آن توجه نمی‌کند، یا برای آن وقت نمی‌گذارد و یا مثلاً در فواصل منظم و مستمر به حوزه انتخابیه‌اش سر نمی‌زند، اساساً نمی‌تواند ادعا کند که واقعاً نماینده مردم آن منطقه است؛ و یا مثلاً نماینده‌ای که صرفاً در نزدیکی انتخابات به حوزه انتخابیه‌اش رفت‌وآمد می‌کند، طبعاً شائبه انتخاباتی بودن چنین رفتاری را تقویت می‌نماید.

- یکی از شاخصه‌های مهم دیگر برای سنجش کارآمد بودن یا نبودن یک نماینده، سنجش عملکرد او از جنبه نظارتی است. اینکه مجلس بر عملکرد دولت وقت و روندهای جاری در آن نظارت داشته و در صورت لزوم، در این خصوص اعمال قانون نماید.

به عنوان نمونه، می‌توان بررسی کرد که نقش نظارتی مجلس در مراحل مذاکرات برای احیای برجام چگونه بوده و یک نماینده مجلس چگونه می‌تواند بر روند احیای این معاهده خارجی نظارت داشته باشد؟ شاید بتوان از روی چنین مثالی، اهمیت بُعد نظارتی نمایندگان را برای ارزیابی کارنامه‌شان بررسی کرد.

## در کارنامه خوانی افراد، باید به چند شاخص مهم دیگر در خصوص نامزدها توجه کرد:

(۱) خوشنام بودن

(۲) دارای تحصیلات بالای دانشگاهی مرتبط با کار نمایندگی

(۳) دخالت ندادن روابط دوستی، فامیلی و طایفه‌ای در انتخاب خود

۴ صریح بودن و پرهیز از اتخاذ هرگونه موضع ناصحیح یا دوپلهو و یا رودربایستی در برخورد با دیگران

۵ تدین و اعتقاد نظری و عملی به اسلام و مبانی انقلاب

۶ داشتن صداقت، صمیمیت با مردم، دلسوزی برای مردم و در یک کلام مردمی بودن

۷ ساده زیستی و طرف مستضعفین و ضعفا را گرفتن

۸ داشتن نگاه خدمت به مردم به جای انگیزه تصاحب قدرت و اندوختن ثروت

۹ پرهیز از اشرافیگری

۱۰ بهره‌مندی از فهم و درک سیاسی

۱۱ بهره‌مندی از تخصص و تجربه کافی، خصوصا متناسب با نیاز کمیسیون مربوطه

۱۲ پیگیری جدی مبارزه عملی با فساد

۱۳ جدا کردن خط خود از بیگانگان و موضعگیری صریح و شفاف در قبال آنها

۱۴ دارای روحیه جهادی و پرهیز از هرگونه تنبلی و خستگی در انجام وظایف محوله

## نگاشت اقدام — مخاطب: عامه مردم و موثرین اجتماعی

### اهداف

۱. آگاه‌سازی در جهت اولویت قرار دادن کارنامه افراد
۲. ایجاد بستر ارزیابی دقیق کارنامه‌ها و انعکاس آن به مردم به منظور انتخاب اصلح (مختص موثرین اجتماعی)

### پیام

۱. در نظر گرفتن «کارنامه نظری» و «کارنامه عملی» نامزدها به شکل توأمان جهت رأی‌دهی (منظور از کارنامه نظری، بررسی سوابق افراد از حیث موضع‌گیری در قبال مسائل جریان‌ساز و مهم (همچون برجام، قانون تسهیل ازدواج جوانان و...) و منظور از کارنامه عملی، میزان ثبات‌قدم نامزدها در عمل به وعده‌های مصداقی گذشته‌شان است).
۲. در بررسی سوابق نامزدها، باید دید آیا فرد موردنظر، پله‌های سیاست‌ورزی و آمادگی برای نمایندگی شدن را به ترتیب طی کرده یا اینکه به ناگاه از یک منصب نه‌چندان مهم، می‌خواهد نامزد نمایندگی مجلس شود؟

### سیاست

۱. ایجاد بسترهای قانونی و رسانه‌ای مناسب به منظور در دسترس قرار دادن کارنامه‌ی عملکرد افراد (اعم از نمایندگان پیشین و کسانی که برای اولین بار نامزد نمایندگی شده‌اند) و تسهیل دسترسی‌ها برای مردم و موثرین اجتماعی (به صورت کمی و کیفی)
۲. برای ارزیابی کارنامه افراد، باید بر «اطلاعات عینی» تأکید کرد، نه «تحلیل‌های ذهنی» شاخص ارزیابی اطلاعات عینی، میتواند موارد زیر باشد:

۱. اطلاعات فردی (شامل کد نمایندگی، سن نماینده، محل تولد و مدرک تحصیلی)
  ۲. سوابق عملکرد افراد؛ در مجلس: شامل تعداد دوره‌های نمایندگی، ارائه طرح (تعداد طرح‌هایی که تصویب شده است)، حضور در کمیسیون‌ها، حضور در صحن مجلس، شرکت در رأی‌گیری‌ها، مشارکت در مباحث جلسات (نطق پیش از دستور و مخالف و موافق)، عضویت در فراکسیون‌ها، بهره‌گیری از ابزار نظارت (سؤال، استیضاح، تحقیق و تفحص)، میزان رأی در آخرین انتخاب (بر مبنای درصد)؛
- در خارج از مجلس:** شامل سابقه کاری افراد در رده وزیر، معاون وزیر، رئیس سازمان و یا ارگان، مدیریت کل و...

لازم به ذکر است اطلاعات همه افراد باید به صورت یکسان و بدون تبعیض و تزییع حقوق، ارائه شود.

## ایده تولید

۱. استفاده از قالب‌هایی چون موشن‌گرافیک، ویدئوکامنت اینفوگرافیک و... جهت اعتبارسنجی سابقه‌ی افراد از حیث اینکه در مناصب قبلی‌شان، تا چه حد توانسته‌اند به شعارها و وعده‌های خود جامه عمل بپوشانند. (با توجه به محدودیت ظرفیت‌های رسانه‌ی مجازی، هدف از این بند، ایجاد دغدغه در مخاطب به منظور اهمیت دادن به «نفس» اعتبارسنجی سابقه‌ی افراد است و نه الزاماً واکاوی سوابق تک‌تک نمایندگان به صورت مصداقی)

۲. استفاده از قالب‌های پیش‌گفته و یا قالب‌های پیشنهادی دیگر جهت راستی‌آزمایی اظهارات گذشته نامزدها؛ مثلاً نامزدی، چند سال قبل ادعای مهمی کرده که اکنون در

آستانه انتخابات، سنجش صحت و سقم آن ادعا و یا ادعاهایی مشابه به منظور احراز صداقت فرد، مهم به نظر میرسد.

۳. نمونه زیر جهت تقریب به ذهن مناسب است:

<https://majlismonitor.com/fa/۳-ها-گزارش/>

۴. ایجاد یک سایت یا ربات تلگرامی یا... که میزان فعالیت مفید و سازنده نمایندگان را در طول دوره نمایندگی شان نشان می دهد؛ مثلاً اینکه چقدر در جلسات تخصصی کمیسیون ها و یا صحن علنی، تاخیر یا غیبت داشته، در نطق های پیش از دستور یا میان دستور چقدر مشارکت داشته، چقدر در کمیسیون تخصصی اش فعالیت عملی مثبت داشته، تا چه حد نماینده حاشیه سازی بوده و...

موضوع هشتم

# مشارکت جوانان



## مساله شناسی

جوانان یکی از ارکان اصلی شتاب‌دهی به نظام در رسیدن به اهداف انقلاب هستند. این مساله به گونه‌ای عینی و ملموس است که رهبری انقلاب علاج مشکلات کشور را در انجام کارهای جوانانه و حضور فعال جوانان در عرصه‌های مختلف کشور دانسته‌اند. لازم به ذکر است این دیدگاه در صورتی که در رسانه‌ها به درستی تبیین شود، خود عاملی برای افزایش رغبت در جوانان برای مشارکت گسترده در انتخابات خواهد شد. لذا برجسته‌سازی میزان بهادهی‌های کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری به جوانان و همچنین روشن‌نشان دادن مسیر پیش‌رو برای ورود فعالانه جوانان به عرصه‌های مختلف رشد و پیشرفت کشور، موجب ایجاد اعتماد به نفس و حتی حس اثرگذاری مثبت در آنها در راستای ایجاد آینده‌ای روبه‌جلو برای کشور خواهد شد.

جریان داخلی: نسبت به حضور کم‌رنگ جوانان در سال‌های اخیر در عرصه‌های مختلفی که دولت در آن حضوری فعال داشته، گلایه دارند و با توجه به شرایط فعلی کشور خواستار آن هستند تا حاکمیت توجه ویژه‌ای به ظرفیت جوانان داشته باشد.

جریان معاند: در تلاش است تا با القای عدم وجود فرصت‌های مناسب شغلی و معیشتی برای جوانان در جمهوری اسلامی، آنها را نسبت به آینده روشن انقلاب مایوس و ناامید کرده و از این طریق آنها را به تحریم انتخابات دعوت نماید.

## نگاشت اقدام — مخاطب: جوانان

### اهداف

۱. ترغیب جوانان برای مشارکت گسترده و فعال در انتخابات
۲. انگیزه دهی به این قشر با کمک هویت بخشی به آنان

### پیام

۱. در بیشتر مواردی که جوانان و کار جوانان آنها در عرصه های مختلف اثرگذاری سهیم بوده، افتخارات ویژه ای برای کشور رقم خورده است.
۲. مردم و مسئولان به درکی مشترک رسیده اند که علاج مشکلات کشور در دست جوانان و کارهای جوانان است.
۳. بهترین مصوبات مجلس فعلی ماحصل تلاش نمایندگان جوان به نتیجه رسیده است.
۴. تجربه نشان داده که جوانان پرنشاط و باانگیزه، همواره در عرصه های مختلف حساس برای نظام ـ مانند انتخابات ـ ورود به موقع و اثرگذاری داشته اند.
۵. یکی از دغدغه های اصلی نظام، استفاده از ظرفیت قانونگذاری و حل مشکلات این قشر با استفاده از نمایندگان جوان است.
۶. جوانان امیدوار و خوشبین به آینده می توانند با حضور خود در پای صندوق های رای و انتخابی آگاهانه، کشور را از طوفان ها نجات داده و به ساحل امن برسانند.

### سیاست

۱. واکاوی و تحلیل ابعاد این جمله که «بسیاری از جوانان ناراضی اند اما حق خود را پیرامون شرکت در انتخابات نادیده نمی گیرند»؛ تشریح این امر باعث می شود تا مرز میان جوانان ناراضی و مطالبه گر حول اصلاح وضع موجود از جریان ضدانقلاب

مشخص شود. از طرفی با قرار گرفتن جوانان ناراضی در چارچوب جوان باهوش انقلابی، مطالبه آنها نیز در راستای بهبود وضعیت نظام تعریف می شود و نه مخالفت با آن.

۲. برجسته سازی این ویژگی بارز جوانان یعنی حساسیت و تاثیرگذاری بر محیط پیرامون خود، در مقابله با القای بی تفاوتی جوانان نسبت به انتخابات راه گشا است و از طرفی نارضایتی آنها نیز نوعی حساسیت و دغدغه آنها نسبت به کارآمدی هرچه بیشتر نظام تعریف می شود.

۳. اشاره به روحیه تحول آفرینی جوانان به منظور بازنمایی اتکای نظام کاندیداهای جوان برای حل مشکلات و پیشرفت کشور

۴. در بحث مشارکت جوانان در انتخابات دقت شود که آنها دوگانگی توجه نسبت به خود را قبل، حین و بعد انتخابات احساس نکنند؛ یعنی حس استفاده ابزاری از آنها تنها برای افزایش مشارکت نشود و حتی در مقابل این گزاره واقعا به این باور برسند که نظام، علاج و حل مشکلات خود را در خلاقیت و پشتکار این جوانان در تمامی ابعاد می بیند.

۵. لزوم توجه به این پیش فرض که تمامی جوانان دلسوز ایران با هر سلیقه و نظری، در چارچوب انقلاب جای می گیرند. فلذا برای نظام، تمامی این جوانان دلسوز برای آینده ایران با ارزش تلقی می شوند. توجه به این گزاره باعث می شود که تصور دوقطبی کاذب «دلسوز خودی و غیرخودی» به وجود نیاید. (یعنی همان دوگانه جوان بسیجی و غیربسیجی)

۶. بررسی و تحلیل گزاره «انتخابات میدان آزمایش و امتحان است»، می تواند این تصور را در ذهن مخاطب (جوانان) پرورش دهد که با تکیه بر تجارب قبلی انتخاب مردم در انتخابات های گذشته و با بررسی برنامه های ارائه شده از سوی نامزدهای انتخابات

فعلی، یک تفکر جدید را امتحان کند و بار دیگر نسبت به نتیجه نسبتاً مطلوب آن امیدوار باشد.

۷. پرداختن به بیانیه گام دوم انقلاب با این پیش فرض که بخش اصلی مخاطب این سند، جوانان هستند.

۸. الگویی از اقدامات مدیریتی جوانان در سایر کشورها، ضمن رعایت موازین اخلاقی و انقلابی کشورمان.

## ایده تولید

۱. تهیه مستندی پژوهشی پیرامون اقدامات صورت گرفته از سوی جوانان که موجب پیشرفت کشور شده و سپس بهره گیری از نظرات کارشناسان و مسئولان متخصص در حوزهای مختلف پیرامون لزوم حضور جوانان در عرصه های مختلف برای بهبود وضعیت فعلی و پیشرفت کشور. البته در این مستند تلاش شود تا تعریفی درست از «کار جوانانه» — که تاثیرگذار است — ارایه شود تا هم جوانان تصور نکنند که تنها با داشتن مسئولیت می توانند کشور را بسازند، هم مسئولین باتجربه حس کنارگذاشته شدن در دولت آینده را نداشته باشند.

۲. تولید عکس نوشت هایی با موضوع چگونگی نحوه ورود تاثیرگذار جوانان در عرصه های مختلف به منظور ایجاد حس اعتماد به نفس در آنان حول اثر گذاری مثبت شان در پیشرفت کشور

۳. تهیه مصاحبه های مردمی با موضوع میزان اعتماد آنها به جوانان در کارها به منظور اثبات گزاره باور مردم نسبت به نیاز شدید کشور به حضور جوانان در عرصه های مختلف

۴. تولید عکس هایی که در آن به سبک گونه ای از صفحات اینستاگرامی، جوانان در ۴ یا ۵ عکس، نوشته های کوتاهی را بر روی مقوایی با مازیک نوشته و از این طریق با بالای سر گرفتن آن، پیام مدنظر را منتقل می کنند.

موضوع نهم

# افزایش انگیزه مشارکت

## مساله‌شناسی

حقیقت آن است که در بحث مشارکت سیاسی ملت ایران در طول تاریخ انقلاب، همواره «مشارکت حداکثری» به عنوان اولویت اصلی نظام اسلامی جهت نقش‌آفرینی مردم در تعیین سرنوشت‌شان مطرح بوده است. به همین سبب نظام اسلامی و در رأس آن رهبری نظام، همواره با صداقت تمام، در تشویق حداکثری اقشار مختلف برای حضور در پای صندوق‌های رأی کوشیده‌اند؛ فارغ از آنکه اسامی خارج‌شده از صندوق، تا چه میزان با ایده‌آل‌های جمهوری اسلامی فاصله داشته باشد. به عنوان نمونه، مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«شرط اول [در انتخابات] شرکت همگان است؛ همه بیایند. بنده [قبلاً] هم این را به همه گفتم که آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حتی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خوب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این ملت عزت داده است؛ این‌ها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ [پس] وارد این میدان بشوند برای عزت بخشیدن به ایران و ایرانی، برای استمرار امنیت ملی، برای تضمین پیشرفتی که بحمدالله از اول انقلاب شروع شده و تا امروز بی‌وقفه پیش رفته؛ برای اینها باید وارد بشوند. همه باید وارد بشوند.»

مبتنی بر این فرمایش معظم‌له، اولویت اصلی برای هر انتخاباتی، حضور حداکثری اقشار مختلف مردم در پای صندوق‌ها است و مسائل دیگر، در درجه‌ی بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، ممکن است بسیاری از مردم، با نظام سیاسی فعلی و مبانی نظری آن، مسئله داشته باشند و انتخاب حاصل از آراء آنان، در سبب رأی نامزدی برود که

انطباق کمتری با آرمان‌های انقلاب دارد؛ اما این موضوع در مقایسه با اصل مشارکتِ حداکثری، جنبه‌ی فرعی پیدا خواهد کرد.

مضاف بر آن، کشاندن مردم از طیف‌های گوناگون به پای صندوق‌های رأی، نشان از هنر نظام اسلامی است؛ زیرا که نظام با اتخاذ این راهبرد اصولی، این تصویر را به مخاطب القا می‌کند که نفس حضور مردم در پای صندوق — فارغ از آنکه به کدام فرد یا جناح سیاسی رأی دهند — گویای اعتمادشان به حاکمیت و نظام اسلامی بوده و نهایتاً، مهر تأییدی است بر مشروعیت نظام و با این منطقی، هر قدر حضور آحاد مردم پای صندوق‌ها بیشتر باشد، به تبع آن، نظام از مشروعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار شده و بدینگونه، حربه «عدم مشروعیت» که همواره از سوی ضدانقلاب علیه نظام اسلامی مطرح می‌شده، از دستانش خارج خواهد شد.

به علاوه آنکه نظام سلطه و شبکه معاند جمهوری اسلامی، پس از آنکه دیدند نظام نوپای اسلامی از همان اوایل پیروزی انقلاب تا کنون، از بحران‌های بنیان‌گنی همچون جنگ تحمیلی ۸ ساله مقابل تمام دنیا و نیز بحران‌های سیاسی و امنیتی گوناگون در سال‌های بعد، سربلند بیرون آمده و دیگر امکان براندازی و ریشه‌کنی این انقلاب وجود ندارد، سعی نمودند با تغییر اولویت‌های مبارزاتی خود در مواجهه با نظام، سیاست «تحریم انتخابات» را در پیش گیرند تا این بار با استفاده از حوزه قدرت نرم و با کار کردن روی نظام ادراکی مخاطب ایرانی، او را از رفتن به پای صندوق رأی منصرف نمایند و بدین ترتیب در بلندمدت، مشروعیت نظام اسلامی را به واسطه همین مشارکت پایین مردم زیر سؤال برده، تدریجاً ماهیت انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن را از درون تهی نمایند تا به خیال خود، استحاله جمهوری اسلامی را رقم زنند.



## سیاست‌ها

۱. بازخوانی هنرمندانه و غیرتکراریِ فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر «فرصت» و «نعمت» بودن انتخابات برای کشور و ملت و دعوت معظم‌له از تمام اقشار برای حضور در پای صندوق رأی جهت تحقق هدف «مشارکت حداکثری»، حتی با دعوت از کسانی که به تعبیر ایشان، نظام و یا شخص رهبری را قبول ندارند!

۲. جانداختن این گزاره که: علی‌رغم ژست دشمن برای بی‌اهمیت جلوه دادن انتخابات در ایران، اما واقعیت چیز دیگریست؛ شاهد بر این مدعا نیز آن است که دشمنان، از ماهها قبل، سرمایه‌گذاری وسیعی را جهت کاهش مشارکت و تحریم انتخابات به کار گرفته‌اند.

۳. تلاش برای تدارک مشوق‌هایی جهت دغدغه‌مند نمودن (ایجاد انگیزه در) موثرین اجتماعی به منظور ایفای نقش با اهمیت آنها در تحقق مشارکت گسترده در انتخابات؛ مشوق‌هایی همچون تأمین مالی و یا وعده‌دهی در خصوص اعطای بخشی از آنتن سیما به آنها در ازای فعالیت‌های انگیزشی‌شان در مسیر انتخابات و...؛ به عنوان نمونه می‌توان چنین وعده‌هایی را به برخی اینفلوئنسرهای اینستاگرامی داد تا در ازای چنین مشوق‌هایی، به تولید پیام با هدف تشویق به مشارکت حداکثری بپردازند.

۴. آغاز سلسله برنامه‌هایی (مثلاً موشن‌های سریالی) به منظور تشریح ظرفیت‌های بی‌نظیر داخلی (از حیث نیروی انسانی، منابع طبیعی، ظرفیت‌های معدنی و...) که هدف ظاهری از این موشن‌ها، جانداختن ظرفیت‌های بی‌نظیر داخلی برای هموطنان است؛ اما به نوعی در لفافه و به شکلی هنرمندانه به این واقعیت نیز اشاره دارد که: تنها با آمدن یک دولت «جوان مؤمن انقلابی» — که متکی به ظرفیت‌های داخل است. این ظرفیت‌های بی‌نظیر به فعلیت خواهد رسید.

۵. با توجه به اثرگذاری عمیق کارهای تاریخی، می‌توان فرآیندهای انتخاباتی ۴۰ سال گذشته نظام را با توجه به سختی‌های مفرط آن ایام بازخوانی نمود؛ مثلاً بازنمایی

سختی های ملی که در عین درگیری در جنگ تحمیلی، حملات تروریستی ضدانقلاب، سر کردن با زندگی کوپنی و... همچنان پای صندوق رأی می آید.

۶. افزایش نقش آفرینی سیاسی نهادهایی چون وزارت ورزش و جوانان در بلوغ سیاسی جوانان، خصوصاً رأی اولی ها و ایجاد شوق و رغبت در آنان برای مشارکت فعال؛ مثلاً برگزاری رویدادهایی در فضای مجازی به منظور تعامل آنان در قالب مسابقه، چالش اینستاگرامی یا... به منظور فعلیت یافتن ظرفیت های بالقوه جوانان و رأی اولی ها در انتخابات پیش رو

۷. تولید و پخش ویژه برنامه های انتخاباتی به منظور فراهم سازی زمینه اجتماعی لازم برای مشارکت حداکثری و پرشور مردم؛ در همین راستا، تولید و پخش مستندهای اثرگذار و یا برنامه های گفتگومحور چالشی پیرامون مسائلی چون شرایط روز کشور، بازخوانی نقاط قوت و ضعف دولت های گذشته، آسیب شناسی رفتار و منش مسئولین در طول تاریخ انقلاب و... به منظور درگیر نمودن هرچه بیشتر جامعه با فضای سیاسی تبیینی و تحلیلی با هدف متمایل نمودن مردم به سمت مشارکت

۸. در برنامه های گفتگومحور چالشی، ترجیحاً از مهمانانی منتسب به تمام جناح ها و سلايق سياسي کشور دعوت شود تا مخاطب حس کند که صدای تمام سلايق و تعلقات سياسي ملت شنیده شده است.

۹. برای جذب مخاطب و درگیری حسی و ادراکی بیشتر او، ترجیحاً از مهمانان چالش برانگیزی دعوت شود که حضور آنان روی آنتن، تداعی کننده تکراری و خنثی بودن برنامه نباشد و بیننده احساس کند که رسانه ملی، به دنبال آسیب شناسی جدی و غیرنمایشی اوضاع گذشته، حال و آینده کشور است.

## برنامه‌های عملیاتی

### ۱. مطالبه‌گری و آگاه‌سازی افکار عمومی:

۱-۱. پویش مطالبه‌گری عمومی از کاندیداها با هدف جلب توجه مسئولین به اهمیت این پویش و نتیجتاً ملزم نمودن مسئولین به پاسخگویی به آن، جهت تدارک سازوکاری اجرایی برای تحقق این مطالبه از سوی مسئولین ذی‌ربط؛ به همین منظور، ایجاد و تبلیغ بسترهایی معین جهت جمع‌آوری مطالبات مردمی (در سکوی تلگرام، وب، روییکا یا...) و سپس اولویت‌بندی این مطالبات به منظور کشف «اولویت‌های مردمی»

۱-۲. همزمان، راه‌اندازی و بالا آوردن یک هشتگ پیشنهادی واحد در توئیتر با هماهنگی و نقش‌آفرینی کنشگران مطرح‌هر دو بستر و نیز گروه‌های مؤثر در حوزه فضای مجازی (ترجیحاً گروه‌های مردمی و غیرحاکمیتی)

۱-۳. آگاه‌سازی عمومی در قالب‌های مختلف (اعم از قالب‌های مجازی، آنتن سیما، صدا و... و...) پیرامون شاخص‌های «اولویت‌های مردمی» جهت افزایش سطح درک عمومی جامعه پیرامون این شاخص‌ها و نتیجتاً رسیدن به درکی مشترک میان مردم و نامزدها از «اولویت‌های مردمی» تا اگر این اولویت‌های مردمی، به عنوان سوالات مدنظر در نشست‌های انتخاباتی از نامزدها پرسیده شود، هر دو طرف (مردم و نامزدها) درک مشترکی از شاخص‌های اولویت‌های مذکور داشته باشند.

۱-۴. ارائه گزارش‌های آماری و تحلیلی دوره‌ای (روزانه یا هفتگی یا...) از وضعیت داده‌ی «انتخابات» در فضای مجازی (در برنامه‌های تلویزیونی و سکوه‌های مجازی) به مردم، ترجیحاً به صورت گزارش‌های بصری

**۲. ایجاد فضای سیاسی و چالشی** با تاکید بر انتخابات در سکوهایی چون لایکی، ترجیحاً توسط بلاگرهایی که رأی اولی‌ها مخاطبان اصلی آنها هستند؛ به همین منظور، همکاری با بلاگرها و چهره‌های مطرح در لایکی و اینستا با هدف ارائه‌ی محورهای موضوعی مرتبط با انتخابات به آنها برای بحث در این باره

### ۳. بازتولید محتوای طنز

۳-۱. مثلاً سوال از مردم (در قالب هایی چون دوربین مخفی) درباره تعویق چهارساله انتخابات و تمدید چهار ساله مجلس فعلی و نهایتاً توجه به بازخوردها و جواب‌ها که ناشی از تعجب، ناراحتی و نارضایتی و نشان دهنده مهم بودن امر برگزاری انتخابات برای بسیاری از مردم است.

۳-۲. بازتولید کلیشه‌ی «اگر نماینده مجلس بودید چه کاری برای کشور، استان و شهر خود انجام میدادید؟»، با درون مایه طنز و بازی، در میان دوستان و یا بلاگرها و مؤثرین اجتماعی



موضوع دهم

# انتخاب اصلح

## مسأله‌شناسی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در سال‌های اخیر در بستر انتخابات پیش کشیده شده است، بحث تشخیص و انتخاب فرد اصلح نسبت به افراد صالح شرکت‌کننده در رقابت‌های انتخاباتی است. در این بین، جریان‌های مختلف معیارهای گوناگونی در جهت شناساندن گزینه اصلح به عموم مردم ارائه می‌دهند. همین چندگانگی مبانی معیارهای ارائه‌شده در این زمینه و کشش‌های ذهنی و عملی رأی‌دهندگان در تشخیص فرد اصلح، لزوم توجه به سیاست‌گذاری رسانه‌ای صحیح و بی‌نقص را بیش‌ازپیش پررنگ می‌نماید.

به همین منظور سیاست‌های رسانه‌ای در این بستر می‌باید به صورت دقیق و منطبق با معیارهای اصیل انقلاب اسلامی و گفتمان امامین انقلاب، در یاری‌رسانی به افراد در تشخیص فرد اصلح پی‌ریزی گردند تا از این طریق، زمینه‌ی انتخاب برای عموم مردم از میان انبوه امواج رسانه‌ای ایجادشده‌ی داخلی و خارجی، هموار گردیده و زمینه‌سازی مناسبی برای خدمت به مردم با یک انتخاب درست و مناسب صورت گیرد. در این راستا، بسته سیاست‌های پیشنهادی زیر در این زمینه ارائه می‌گردد.

## سیاست‌ها

۱. بازنشر بخش‌هایی از سخنان روشنگرانه شخصیت‌های محبوب مردمی و ملتزم به نظام (همچون حاج قاسم سلیمانی و...) که در آنها، شاخصه‌های انتخاب اصلح تبیین شده باشد.
۲. بازنمایی ساده‌زیستی‌های مسئولین، خصوصاً مسئولین دهه ۶۰، به عنوان عاملی که موجب افزایش محبوبیت مردمی آنان می‌شد.

۳. برشمردن ویژگی‌های برجسته برخی کاندیداهای مجلس ادوار گذشته همچون شهید چمران، مقام معظم رهبری و حسن آیت به عنوان الگوهای مناسب برای یک کاندیدای اصلح.

۴. برآیند عملکرد نامزد، ناظر به رسیدگی بیشتر به محرومان و پرهیز از پرت شدن جیب جریان اشرافی‌گری باشد.

۵. ضرورت موضعگیری شفاف نامزدها در قبال فتنه ۱۴۰۱ و پرهیز از کلی‌گویی یا سکوت در قبال آن برهه حساس تاریخی.

۶. داشتن شفافیت در همه عرصه‌ها؛ از جمله در گردش مالی کمپین انتخاباتی، درآمد و دارایی، مشاغل و فعالیتهای پیشین، شفافیت در دادن وعده‌های انتخاباتی، شفافیت مواضع، ارائه برنامه مکتوب و رسمی

۷. عطف به بند فوق، بازنمایی بخش‌هایی از تبلیغات انتخاباتی نامزدها در دوره‌های قبلی که در آن، نامزد یا نامزدهایی، شفافیت لازم را در هر یک از موارد بالا نداشته‌اند، با هدف تقبیح این خصلت.

۸. در خصوص شفافیت نامزدها در دادن وعده‌های انتخاباتی، میتوان پیشنهاد طراحی سامانه‌ای برخط و عمومی را به دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات داده و سپس قانوناً نامزدها را ملزم نمود تا وعده‌هایشان را به صورتی دقیق، شفاف و ترجیحاً کمی‌سازی شده و با قید زمان بندی (برای تحقق هر وعده) ثبت کنند؛ سپس این سامانه، تا بعد از رأی‌آوری فرد منتخب، از سوی نهادهای نظارتی مربوطه به عنوان شاخصی جامع برای سنجش عملکرد فرد منتخب، تلقی شود و در عین حال برای همگان نیز در دسترس باشد تا مردم به طور شفاف بدانند که فردی را که انتخاب کرده‌اند، تا چه میزان به وعده‌های خود پایبند بوده است. چنین سامانه‌ای، طبعاً مردم را برای پیگیری این مطالبات قانونیشان، همراه‌تر خواهد کرد.



۹. بازخوانی تجربه های موفق سایر کشورها در طراحی و اجرای سازوکارهای شفاف‌ساز برای نامزدهای انتخاباتی.
۱۰. تبیین ضرورت داشتن نگاه ملی به کل کشور (از سوی نامزدها) و پرهیز از برجسته شدن مواضع قومی و منطقه ای، خصوصاً با استناد به کارنامه قبلی نامزدها در این خصوص
۱۱. تبیین شاخصه «کم‌خرجی و در عین حال پُرکاری» به عنوان یکی از ویژگی های نامزد اصلح در سِمَت های گذشته.
۱۲. پرهیز از ایجاد فضای هیجانی در معرفی شاخصه های فرد اصلح.
۱۳. تفهیم تفاوت مبنایی فرد صالح با فرد اصلح و جلوگیری از کج‌فهمی و ایجاد دوگانه خوب و بد (فردی که اصلح نیست، الزاماً بد نیست...)
۱۴. بررسی نمونه‌های تاریخی از برخی افراد صالح در صدر اسلام که پیامبر (ص) و یا امیرالمومنین (ع)، آن‌ها را از قبول پست‌های مدیریتی در جامعه منع کرده بودند. (مانند جناب ابوذر و کمیل)
۱۵. تاکید بر معیارهای تعهد و تخصصِ توأمان در تشخیص فرد اصلح.
۱۶. معیارسنجی نامزد اصلح از منظر مردم؛ از طُرُقِ همچون: مصاحبه مردمی، نظرسنجی، نتایج افکارسنجی و...
۱۷. پررنگ نمودن تکلیف شرعی افراد در تشخیص فرد اصلح از میان دیگران و عمل به آن (این مسئله خصوصاً برای رأی‌دهندگانِ بافت مذهبی و سنتی جامعه مفید خواهد بود.)

## تبیین برخی شاخصه‌های نامزد اصلح، از جمله:

۱. صدق لسان: به منظور آگاهی از صدق بیان کاندیدا، از دو طریق می‌توان به مسئله ورود کرد؛ نخست صحت سنجی اطلاعاتی که نامزد به صورت کمی و کیفی - در قالب مناظرات، فیلم‌های تبلیغاتی و... - به مردم می‌دهد؛ دوم رفتار و منش تبلیغاتی نامزد (آیا دچار ریخت و پاش‌های تبلیغاتی است؟ روش او در تبلیغ - که برگرفته از عقاید سیاسی و فکری اوست - به منظور جذب رأی، تا چه حد عاقلانه و به دور از پروپاگاندا، رفتارهای هیجانی، شوی تبلیغاتی و... است؟)

۲. تناسب داشتن شعارهای نامزدها با جایگاه و پست نمایندگی، خصوصاً با توجه به شرایط فعلی کشور

۳. داشتن روحیه جوان، نشاط انقلابی و امیدوار به آینده .

۴. برنامه داشتن برای مدیریت سیستمها و قوانین کلان کشور، لااقل برنامه کوتاه‌مدت یکساله، به نحوی که برنامه مذکور، ضمانت اجرای لازم را - با تأیید خبرگان مختلف اقتصادی، سیاسی و... داشته باشد.

۵. دارا بودن شناختی صحیح از احتیاجات مردم

۶. دارا بودن شناختی صحیح از اولویت‌های نظام و نیز توطئه‌های خارجی دشمن

۷. پایبندی به اصول نظام: به نحوی که به بهانه تخصص‌گرایی، اصول و سرفصل‌های اصلی انقلابی‌گری را زیر پا نگذارد.

۸. فسادستیزی: به نحوی که در تجربه کاری‌اش، بسترهای فساد را هموار ننموده باشد.

۹. نوع نگاه کاندیدا به جایگاه نمایندگی: به این جایگاه به عنوان سنگری برای دفاع از نظام اسلامی و رسیدگی به کارهای ملت نگاه کند و نه صرفاً برتری سیاسی و جناحی نسبت به رُقبا

۱۰. امانت داری و مسئولیت پذیری: نسبت به اسرار نظام خود را متعهد بداند و از آن به منظور اغراض سیاسی و جناحی سوءاستفاده نکند. همچنین در برابر کاری که انجام می دهد، مسئولیت پذیر باشد و به دنبال توجیه خطا و گمراه نمودن افکار عمومی نباشد.

۱۱. شجاعت در میدان عمل داشته باشد: بدین معنا که از ترس چالش های پیش رو و نیز فشار انتقادات در برابر مشکلات، سر خم نکند و در عین سیاس بودن، با هدف پیشرفت کشور، از تهمت ها و فشارها نهراسد.

## تبیین برخی ویژگی های مؤثرین اجتماعی و هادیان سیاسی مورد اعتماد مردم در امر انتخاب کاندیدای اصلح:

۱. دارا بودن روحیه انقلابی و التزام به مبانی اسلام تا مردم را به بیراهه دعوت نکنند.
۲. دقت در بهره گیری از گُدها و منابع انتخاباتی تا مباحثی را به مردم ارائه ندهند که تکمیل کننده سناریو و پازل دشمن برای انتخابات باشد.
۳. پرهیز از پذیرفتن تطمیع های مالی کاندیداها
۴. پرهیز از دخالت دادن تعصبات حزبی، جناحی، قومی و فکری خود در معرفی کاندیدای اصلح به مردم

موضوع یازدهم

# جوانگرایی

## مساله شناسی

پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و تغییرات نسلی متمادی در این سال‌ها، نیاز به درک بینانسلی در میان اقشار گوناگون جامعه هرچه بیشتر احساس می‌شود. این درک بینانسلی به خصوص در میان مسئولین و مردم از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ از این جهت که هرچه مسئولین نظام جمهوری اسلامی بتوانند درک درست‌تری از مسائل و مشکلات نسل جوان جامعه ما - که در این سال‌ها بخش عمده جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند - داشته باشند، بالطبع قدرت برنامه‌ریزی و اجرایی بالاتری به دست خواهند آورد. بنابراین برای نیل به این هدف مهم، هرچه فاصله سنی میان مسئولین و بدنه اصلی جمعیت کشور کاهش پیدا کند، شاهد درک بهتری از مسائل روز جامعه از جانب مسئولین خواهیم بود.

از سوی دیگر جمعیت جوان و تحصیل‌کرده‌ی کشور، در اکثر زمینه‌های علمی، عملیاتی، سیاسی و جهادی صلاحیت خود را به اثبات رسانده و به انحاء مختلف، آمادگی خود را جهت حضور در عرصه‌های بالای کشورداری اعلام نموده است و به نظر می‌رسد که زمان آن فرا رسیده که با اعتماد به آن‌ها، بستر را برای نقش‌آفرینی هرچه بیشتر جوانان فراهم نمود.

پرواضح است که مسئول جوان انقلابی، هم از لحاظ اجرایی از قدرت بیشتری برخوردار است و هم از لحاظ شناختی. همانطور که اشاره شد. درک بهتری از مسائل جامعه خواهد داشت. به همین جهت، عبور از مسئولین ناکارآمد پایه‌سن گذاشته و بهره‌گیری از آن‌ها در پُست‌های مشاوره‌ای و توجه بیشتر به جوانان، یکی از ملزومات مهم سال‌های آینده کشور به حساب می‌آیند که انتخابات مجلس پیش رو از نقاط عطف آن محسوب می‌شود.

## سیاست‌ها

۱. برجسته‌سازی سرفصل مذکور با هدف ایجاد شوق و افزایش اعتماد در دل جوانان به منظور باور هرچه بیشتر به آینده‌ی روشن انقلاب اسلامی
۲. برجسته‌سازی اهمیت انگاره «مجلس جوان انقلابی» در منظومه فکری و کلامی رهبر معظم انقلاب.
۳. تبیین صحیح و ملموس رابطه این دغدغه رهبری با آینده‌ی پیش روی انقلاب اسلامی و «تمدن‌سازی نوین اسلامی» با بهره‌گیری از منابعی چون بیانیه گام دوم انقلاب
۴. بهره‌گیری از محورهای بیانیه مذکور در خصوص جوانان به منظور اثبات گزاره لزوم ایجاد مجلس جوان انقلابی
۵. تبیین شاخصه‌های «دولت جوان انقلابی» از منظر رهبر انقلاب
۶. تبیین اهمیت و کارکرد مجلس جوان انقلابی در بهبود وضع معیشت مردم
۷. تبیین اهمیت و کارکرد مجلس جوان انقلابی در بهبود مقوله «عدالت اجتماعی» به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی جوانان در شرایط فعلی
۸. لحاظ کردن توأمان تعهد و تخصص در کنار جوانگرایی به عنوان دو بال پیشرفت کشور
۹. پرهیز از مبالغه‌گری در توصیف ویژگی‌ها و آثار مجلس جوان انقلابی (عدم تناسب شعارها با شرایط حاکم بر کشور)
۱۰. بررسی تاثیر کارهای جوانانه‌ی جوان مؤمن حزب‌اللهی — در مسیر آرمان‌های انقلاب — بر زندگی مردم در جهت حل مشکلات کشور
۱۱. تولید وی‌سی یا مستندهای گفتگومحور کوتاه با هدف آگاه‌سازی مردم پیرامون آثار و برکات مجلس جوان انقلابی و سپس توزیع گسترده آن در شبکه‌های اجتماعی
۱۲. ارائه تعریفی صحیح، جامع و مانع از «جوان» بودن برای تصدی کارهای قانونگذاری — مبتنی بر منظومه فکری رهبر انقلاب — به منظور مقابله با انگاره تقلیل جوانگرایی به

پایین بودن سن و سال (مثلاً بازخوانی تعریف و تمجید سال گذشته رهبر انقلاب از حاج قاسم سلیمانی و کارهای جوانانه و بانشاط آن شهید والامقام)

۱۳. شفاف سازی مقصودمان از جوان گرایی و پرهیز از سطحی نگری در نگاه به این مقوله؛ در همین راستا، زدودن خصائص منفی این حوزه ضروری به نظر می رسد؛ خصائصی چون: عدم روی کار آمدن یک جوان خام و بی تجربه، پرمدعا، پرحرف و کم کار، پرحاشیه و...

۱۴. تبیین سه شاخصه و خصوصیت اصلی جوانان یعنی انرژی، امید و ابتکار و سپس معرفی جوان انقلابی به عنوان یک محرک اصلی در هدایت این خصوصیات بارز جوانان در جهت رشد کشور

۱۵. برجسته سازی دغدغه جوان انقلابی در ایجاد وحدت، همدلی و هم افزایی میان ارکان مختلف نظام (این مورد، برای سرفصل وحدت قوای سه گانه مناسب است)

۱۶. یکی از مؤلفه های ویژه جوانان متعهد، وجود حس ادای دین نسبت به نظام اسلامی و خون شهداء است که همین مساله، خود بازدارنده آنان از خیانت به کشور و بی تفاوتی نسبت به مسئولیتشان در برابر مردم خواهد بود.

۱۷. برجسته سازی شجاعت و صراحت لهجه ی جوانان در اتخاذ مواضع انقلابی و پرهیز از محافظه کاری

۱۸. بازنشر بخشهایی از سخنان شخصیت های محبوب مردمی و ملتزم به نظام (همچون حاج قاسم سلیمانی و...) که در آنها، شاخصه های جوانگرایی تبیین شده باشد.

۱۹. بازخوانی توفیقات نظام اسلامی در خلال جنگ تحمیلی که متأثر از توان فکری و عملیاتی فرماندهان و نیروهای جوان و انقلابی این مرزوبوم بود.

۲۰. معرفی شخصیت فرماندهان جوان دوران دفاع مقدس و نیز نمایندگان شهید مجلس از جمله شهید دیالمه به عنوان دوره ای که اعتماد به جوانان، سرلوحه امور قرار داشت

۲۱. بازخوانی برخی خدمات ویژه‌ی دولت که در سایه مدیریت جوان و البته پویا اتفاق افتاده است.

۲۲. برجسته سازی کارهای ارزشمند و البته خودجوشی که از سوی گروه های جوان و متعهد، در جهت خدمت رسانی به مردم در طول سال های اخیر انجام گرفته است؛ مثلاً اردوهای جهادی و یا اهتمام جوانان به کمکرسانی مقابله با کرونا

۲۳. عطف به بند فوق، تبیین این مسئله که با روی کار آمدن مجلس جوان انقلابی، همین حرکت های بابرکت و گسترده، با انسجام، نظم، برنامه ریزی و نتیجتاً بهره‌وری بیشتری جلو خواهد رفت و نتیجتاً گره بیشتری از کار مردم خواهد گشود.

۲۴. تاکید بر این نکته که مسائل سالمند و خسته، درک صحیحی از مشکلات، اولویت‌ها و مسائل مبتلابه جوانان نداشته و طبعاً در سیاستگذاری های کلان نیز اهتمام جدی به این موضوع نخواهد داشت.

۲۵. عطف به بند فوق، بازخوانی آماری و تحلیلی مسائل و مشکلات نسل جوان با بهره گیری از تکنیک های بصری سازی

۲۶. بررسی عملکرد مثبت مسئولین جوان در دیگر کشورها و در رأس امور تقنینی آن‌ها، با هدف الگوگیری از مؤلفه‌های مثبت این افراد.

۲۷. ضرورت تبیین گزاره «پرهیز از طرد کامل باتجربه‌ها از عرصه مدیریتی کشور» و تأکید بر اهمیت نقش مشاوره‌ای آن‌ها

۲۸. تبیین شرایط حساس کنونی کشور که به کار و تلاشی چندین برابر توان یک انسان عادی نیازمند است تا بتوان از آن به سلامت عبور کرد و این امر ممکن نیست، جز با تکیه بر نیروهای جوان.

۲۹. با توجه به دغدغه رهبری مبنی بر اولویت داشتن راهبرد «خنثی سازی تحریم» به جای «رفع تحریم» و البته با توجه به سخت‌تر بودن و در عین حال مبنایی‌تر بودن



سازوکار دستیابی به اولی در قیاس با دومی، پرواضح است که یک مجلس جوان، انقلابی، پرتلاش و بانگیزه، اهتمام بیشتر و جدی‌تری به تحقق راهبرد خنثی‌سازی تحریم خواهد داشت.

موضوع دوازدهم

# رأى اولى ها

## مساله‌شناسی

دسته‌های جمعیتی در هر پدیده اجتماعی، از اهمیت مختص به خود برخوردار هستند و هر یک به نحوی به ایفای نقش می‌پردازند. یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی که دسته‌های جمعیتی در آن از نقش‌آفرینی عمیقی برخوردارند، انتخابات است. در انتخابات سلايق مردم در هر طبقه و شغل و جایگاهی که هستند، تعیین‌کننده نتیجه‌ی نهایی است و این نتیجه می‌تواند بسته به سن و جنس و موقعیت فرهنگی و اجتماعی افراد نیز متفاوت رقم بخورد. در این میان جوانان و از دل آنها «رأی‌اولی»ها نقش پررنگ‌تر و بااهمیت‌تری در عرصه انتخابات از خود بر جای می‌گذارند. جوانان و رأی‌اولی‌ها با انگیزه و انرژی مضاعفی که به صورت بالقوه دارا هستند، می‌توانند یکی از اصلی‌ترین بدنه‌های شرکت‌کننده در انتخابات پیش رو باشند.

به همین دلیل یکی از ضروریات انتخابات اسفند ۱۴۰۲، انگیزه‌دهی به نسل جوان برای حضور پرشور پای صندوق‌های رأی و نقش‌آفرینی حداکثری آنها است. حضور جوانان در انتخابات همچنین می‌تواند موتور محرکی برای سایر اقشار جامعه قلمداد شود و همین مساله به هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن انتخابات کمک شایان توجهی نماید. در راس این گروه جمعیتی، رأی‌اولی‌ها قرار دارند که علاوه بر انگیزه و تشویق به حضور در انتخابات، به داده‌های قابل وثوق از روند برگزاری انتخابات و جریان‌ات حاضر در آن در مقابل حجم انبوه جوسازی رسانه‌های معاند نیازمندند که در همین راستا، بسته سیاست‌های رسانه‌ای پیشنهادی زیر نیز ارائه گردیده است.

## سیاست‌ها

۱. تشریح اهمیت شرکت در انتخابات در تعیین سرنوشت کشور، برای رأی‌اولی‌ها، به نحوی که اگر رأی ندهند، ممکن است افرادی نامطلوب انتخاب شوند.
۲. عطف به بند فوق، ضرورت تبیین تاثیرگذاري رأی تمام اقشار - از جمله رأی‌اولی‌ها - بر رأی‌آوری یا عدم رأی‌آوری نامزدی خاص؛ مثلاً بازنمایی منتخبینی که در ادوار گذشته انتخابات (ترجیحاً انتخابات مجلس) با اختلاف ناچیزی نسبت به رقیب خود و یا با فاصله بسیار کمی از حد نصاب پیروزی (حد نصاب ۵۰ درصد + ۱ واجدین شرایط)، نهایتاً پیروز انتخابات شدند.
۳. تاکید بر مسئولیت حساس رأی‌دادن و تبعات آن در آینده کشور
۴. تحلیل آماری میزان حضور رأی‌اولی‌ها در ادوار گذشته انتخابات و نیز ارائه آماری از واجدین شرایط رأی‌اولی در انتخابات پیش رو
۵. ارائه آماری از مسائل مبتلابه نوجوانان و جوانان جهت دغدغه‌مند نمودن آنان نسبت به سرنوشت خودشان و نتیجتاً ترغیب آنان به رأی‌دهی به عنوان یگانه‌مسیر اصلاح این سرنوشت
۶. تاکید بر به رسمیت شناخته شدن این قشر در فرآیندهای سیاسی کشور و لزوم نقش‌آفرینی‌شان در نظام اجتماعی - سیاسی کشور
۷. اهمیت گعده‌سازی‌های سیاسی در حلقه‌های دوستانه با تمرکز بر بسترهای اینستاگرام، کلاب‌هوس، لایکی و یا تلگرام.
۸. چالش مجازی دعوت به آمدن پای صندوق رأی در یک زمان (ساعت) خاص با محوریت هشتگ پیشنهادی #من-اومدم

۹. تقویت حس غرور و میهن‌دوستی حاصل از شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت کشور برای رأی‌اولی‌ها با تکیه بر مؤلفه «هویت ملی» (به جای تکیه بر مولفه‌های نظام سیاسی)

۱۰. آگاه‌سازی رأی‌اولی‌ها در برابر حملات و موج‌سازی‌های رسانه‌های معاند علیه نظام و انتخابات

۱۱. شفاف‌سازی سازوکار انتخابات و نقش شورای نگهبان، جهت جلوگیری از ایجاد شبهه و تردید در رأی‌اولی‌ها

۱۲. برجسته‌سازی حق رأی یکسان پسران و دختران در پایان هجده سالگی، درحالی‌که در بعضی کشورها تبعیض سنی وجود دارد (برای مثال در بعضی کشورها، دختران تا بیست و یک سالگی حق رأی ندارند).

۱۳. تشریح بی‌طرفانه‌ی دسته‌بندی‌های حزبی و سیاسی کشور در قالب‌های جذابی چون اینفوگرافی، موشن‌گرافی و یا مستندهای تاریخی، جهت شناخت حداقلی رأی‌اولی‌ها از این مناسبات سیاسی (مثلاً یک نوجوان، بارها واژه «چپ و راست» یا مثلاً «عدالتخواه» را در رسانه‌ها شنیده، اما هیچ شناختی از این جریان‌های سیاسی ندارد!)

۱۴. معرفی نامزدهای حاضر در انتخابات و سوابق حزبی و اجرایی‌شان جهت کمک به انتخاب بهتر در قالب‌هایی جذاب و البته همه‌فهم (مخصوص رأی‌اولی‌ها) مانند پوستر، عکس‌نوشت، لایو اینستاگرام با نمایندگان نامزدها و...

۱۵. استفاده از ظرفیت لایو اینستاگرام و یا مصاحبه‌های مردمی هدف‌مند و به دور از جانبداری جهت گرفتن نبض انتخاباتی رأی‌اولی‌ها

۱۶. مصاحبه های مردمی از رأی اولی ها با محوریت سؤالاتی چالشی مانند: «من به کسی رأی می دهم که چهار سال بعد برای من فرصت شغلی مهیا کند.» و یا «رأی می دهم تا دیگران به جای من تصمیم نگیرند.»

۱۷. برجسته سازی این نکته که: هر قدر شور و شوق جوانان برای شرکت در انتخابات بیشتر بوده و کنش بیشتری در این راستا داشته باشند، نامزدها نیز به دغدغه های این قشر - به عنوان قشری تاثیرگذار در نتیجه انتخابات - توجه بیشتری خواهند کرد.

۱۸. تبیین این نکته برای جوانان که: یکی از راه های تحقق عملی رؤیاهای آنها برای پیشرفت جامعه و کشورشان، همین شرکت در انتخابات است.

۱۹. پررنگ نمودن نگاه جوانگرایانه در دولت و مجلس فعلی به منظور برجسته سازی گزاره نگاه ویژه مسئولان به ظرفیت های تاثیرگذار جوانان در رشد کشور، با هدف تشویق رأی اولی ها به عنوان نسل جدید جوان برای تاثیرگذاری بر آینده و پیشرفت کشور

۲۰. برانگیختن احساسات نسل جدید و رأی اولی ها به عنوان طلایه داران خط مقدم دفاع از نظام با ایجاد دغدغه و احساس دین در آنها نسبت به شهدا و ایثارگران انقلاب، دفاع مقدس و حتی پدیده دفاع از حرم

۲۱. برجسته سازی بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان مصداقی بارز بر اعتماد و تکیه رهبری انقلاب بر ظرفیت های جوانان به منظور امیدبخشی به رأی اولی ها (خصوصاً رأی اولی های دغدغه مند نسبت به گفتمان امام و رهبری) حول توجه نظام به حضور و مشارکت آنها در عرصه های مختلف پیشرفت کشور، خصوصاً انتخابات

۲۲. استفاده از ظرفیت های شبکه های اجتماعی ای که نوجوانان اقبال بیشتری به آنها دارند، جهت ترغیب رأی اولی ها به شرکت در انتخابات

۲۳. عطف به بند بالا، ضرورت ایجاد فضای گفتمانی در بسترهای مذکور از طریق مناظرات مجازی با هدف ضریب دهی به میزان توجه نظام به دغدغه جوانان

۲۴. بازنمایی برخی فضاهای سیاسی و چالشی ایجاد شده در سکوهایی چون اینستاگرام، کلاب هاوس یا خصوصاً لایکی (زیرا که قاطبه کاربران آن را رأی اولی ها تشکیل می دهند) با محوریت حضور نوجوانان و رأی اولی ها

۲۵. تهیه مستند پژوهشی با محوریت واکاوی و آسیب شناسی این مطالبه که: به واقع حاکمیت در طول سال های اخیر، چه برنامه یا برنامه هایی را جهت سوق دادن نوجوانان به سمت بلوغ سیاسی ترتیب داده و اجرایی کرده اند؟!

موضوع سیزدهم

# مشارکت کارگران



## مساله شناسی

در حال حاضر کشور در یک جنگ اقتصادی در حال نبرد است، بهترین ابزار مبارزه با دشمن در این نبرد با توجه به دیدگاه رهبر معظم انقلاب اقتصاد مقاومتی است و در اقتصاد مقاومتی تولید یکی از ارکان اصلی است، لازمه تولید نیروی انسانی می باشد و کارگران در بخش تولید یکی از گرانبها ترین سرمایه ها برای کشور در جهت پیشرفت و رونق تولید هستند. با همه این سخنان متاسفانه دولت و بخش خصوصی نتوانسته تا بدرستی از این سرمایه ارزشمند حمایت کند و همین مساله باعث بروز نارضایتی و اعتراضات صنفی از سوی کارگران در مناطق مختلف کشور شده است. جریان معاند با محوریت رسانه های خود سعی می کند تا با انعکاس اعتراضات و حاشیه سازی از آن در افکار عمومی تصور مخالفت کارگران با نظام و همچنین همراهی آنان با کمپین رای بی رای را القا نماید. گفتنی است مشکلات معیشتی، حق مسکن و حداقل حقوق از دغدغه های اصلی کارگران بوده و انتظار می رود تا کاندیداها برنامه روشن و شفاف برای حل این مشکلات ارائه دهند و از طرفی نیز رسانه با برجسته سازی توجه کاندیداها به کارگران این قشر زحمتکش جامعه برای مشارکت حداکثری در انتخابات ترغیب کنند.

جریان داخلی: معتقدند که کارگران در شرایط فعلی و با توجه به مشکلات معیشتی به وجود آمده در جامعه، نیازمند حمایت بیشتری از سوی مسئولان هستند. این جریان همچنین توجه نامزد های نمایندگی مجلس به قشر کارگر را با توجه به نیاز کشور حول بهبود شرایط تولید و کسب و کار از اوجب واجبات می دانند.

جریان معاند: اعتراضات کارگری به فرصتی مناسب برای این جریان مبدل گشته تا با ایجاد انحراف در افکار عمومی حول مطالبات اصلی کارگران معترض، آنها را مخالفان نظام جمهوری اسلامی و از مهم ترین اقشار تحریم کننده انتخابات معرفی کنند.

### اهداف

ترغیب کارگران به مشارکت حداکثری در انتخابات

### پیام

۱. یک انتخاب صحیح می تواند در رسیدن کارگران به مطالبات صنفی راهگشا باشد.
۲. کارگر معترض تنها به فکر حل مشکلات است و نه مخالفت با نظام و یا تحریم انتخابات.
۳. کارگران سربازان جنگ اقتصادی هستند که نیازمند پشتیبانی بوده و این قشر هرگز صحنه نبرد را ترک نخواهد کرد.
۴. کارگران انسان هایی زحمتکش، مؤمن و باصفا هستند و تنها به دنبال حق خود بوده و برخلاف القائات ضدانقلاب، هیچ قرابت فکری و عملی با این گروه ندارند.
۵. یکی از ظرفیت های مهم در مجلس جوان انقلابی توجه ویژه به پیشرفت شغلی و مادی کارگران خواهد بود.
۶. کارگران با علم به این نکته که نظام توانایی برطرف سازی مشکلات آنها را دارد، از مسئولان مطالبه بهبود شرایط خود را دارند.
۷. زنان کارگر همانند مردان کارگر به دلیل نقش اثرگذارشان برای نظام دارای کرامتی یکسان هستند.

### سیاست

۱. اشاره به تلاش طاقت فرسای کارگران در مشاغل سختی همچون پالایشگاه و ذوب آهن و معرفی این تلاش ها به عنوان مصداقی بارز از ایثار کارگران برای رشد و آبادانی کشور

۲. برجسته سازی مطالبه فعالین انقلابی و ارائه راهکار از سوی آنها به مسئولین پیرامون حل مشکلات صنفی کارگران به منظور ایجاد تصور گشایش در زندگی کارگران در صورت روی کار آمدن مجلس جوان مومن انقلابی
۳. وعده پیگیری مطالبات به حق کارگران از نامزدها به منظور امیدبخشی به کارگران حول اصلاح روند در مجلس بعدی
۴. بازنمایی حضور مسئولان در بین تجمعات اعتراضی کارگران؛ در این رابطه می توان به توجه نمایندگان مجلس و مسئولان قضایی در پرونده هفت تپه اشاره نموده و آن را مصداقی از توجه مسئولان به دغدغه های کارگران معرفی نمود.
۵. تاکید بر نقش تاثیرگذار کارگران در صنایع مهم و حساسی همچون صنعت نفت در شرایط تحریمی. اینگونه توجهات موجب می شود تا کارگران حس نادیده گرفته شدن زحمات ارزشمندشان در مسیر پیشرفت کشور نداشته باشند.
۶. سعی شود به مطالبات و دغدغه های کارگران زن نیز توجه شود که حس نابرابری پیرامون پیگیری مطالبات در آنها ایجاد نشود و هم از این طریق زنان کارگر بیشتر تشویق شوند که در انتخابات شرکت کنند.
۷. بررسی افزایش حقوق کارگران در نسبت با دیگر مشاغل و مقایسه آن با درصد تورم بسیار زیادی که در این سال ها در جامعه به وجود آمده است، با هدف توجه دادن مسئولان و نامزدها به مشکلات معیشتی قشر کارگر

۱. مروری بر منظومه فکری رهبر انقلاب در باب تولید ملی و نقش «کارگر» در این بین در قالب ویدئوکلیپ و یا اینفوگرافی؛ به عنوان نمونه، معظم‌له در جایی، کارگر را «ستون فقرات تولید» می‌نامند و این، نشان از جایگاه والای کار و کارگر در منظومه فکری ایشان دارد.

۲. تهیه مستندی به منظور روایت‌گری از فعالیت سخت و طاقت‌فرسای کارگران در مشاغلی همچون صنعت نفت، سپس نشان دادن حس میهن‌دوستی و دغدغه‌مندی کارگران برای پیشرفت کشور در قالب مصاحبه با کارگران در مستند.

۳. در مرحله بعد بیان مطالبات معیشتی کارگران با رویکردی پیگیرانه از نامزدها برای ارائه برنامه مدّون و مشخص برای حل این مشکلات و در آخرین مرحله پخش مستند در برنامه‌ای تلویزیونی یا تلویزیونی با حضور کارشناسان به منظور بررسی برنامه‌های نامزدهای هر استان پیرامون حل مشکلات کارگران که در نهایت با پروموت شدن بخش‌هایی از برنامه در فضای مجازی، کارگران نسبت به اصلاح وضع خود در دولت آینده امیدوار می‌شوند.

۴. ساخت ویدئوکلیپی با مضمون به نمایش گذاشتن حضور کارگران در انتخابات‌های ادوار گذشته

۵. راه‌اندازی پویشی در فضای مجازی به منظور انتشار ویدئو از سوی کارگران با لباس کار خود و گفتن جملاتی بدین مضمون که «از وضع اقتصادی رضایتی ندارم اما اوضاع کارگران رو به بهبود گذاشته است و به خاطر آینده کشورم و به امید اصلاح بیشتر امور آن، در انتخابات شرکت می‌کنم». در نظر گرفته شود که هشتگی مناسب و امیدبخش به اصلاح امور برای کارگران در این پویش در نظر گرفته شود.

۶. ساخت مستندی با محوریت مقایسه نگاه جمهوری اسلامی به کارگران زن و دیگر کشورها به طور خاص جوامع توسعه‌یافته به منظور برجسته‌سازی حفظ کرامت

بانوان کارگر در ایران. در ساخت این مستند بهتر است درون مایه احساسی بیشتری داشته باشد چرا که بانوان از عواطف و احساسات بیشتری برخوردار بوده و می توان از این طریق آنها را تشویق به مشارکت در انتخابات نمود.

۷. ساخت کلیپی با مضمون امکانات و مزایایی که کشورهای دیگر به کارگران خود اختصاص می دهند در جهت حفظ رضایت آنها و کاهش فاصله طبقاتی (با هدف توجه دادن مسئولان و نامزدها به مشکلات معیشتی قشر کارگر و ضرورت تکریم شأن اجتماعی آنان)

۸. ساخت مستندی با مضمون لزوم توجه هرچه بیشتر به بازنشستگان کارگری در مقایسه با دیگر بازنشستگان لشگری و کشوری؛ البته توجه شود که چنین مقایسه ای، موجب ایجاد شکاف میان این چند طیف از بازنشستگان نشود.

موضوع چهاردهم

# دفاع از قانون اساسی

## مساله‌شناسی

حواشی ایجادشده حول نظارت شورای نگهبان باعث شده تا بیش از هر جریان‌ی، اصلاح طلبان به فکر مطالبه تغییر در قانون اساسی افتاده و از این طریق اختیارات شورای نگهبان در رابطه با انتخابات را دستخوش تغییر کنند. در همین رابطه بارها توسط جریان‌ات و اشخاص مختلف از رهبر انقلاب خواسته شده تا شرایط را برای تغییر قانون اساسی با توجه به منطقی بودن تغییر برخی اصول آن در شرایط زمانی فعلی، فراهم نماید. باید گفت که اصلاح طلبان در شرایط فعلی، سد اصلی در برابر دستیابی سیاسی به منافع حزبی خود را بحث التزام و اعتقاد به نظام می دانند و در تلاش هستند تا به هر طریقی این مساله را در قانون اساسی تغییر دهند؛ چرا که سوابق برخی چهره‌های مشهور این جریان در ادوار مختلف نشان دهنده عدم التزام آنها به نظام است و احتمالاً آنها خود به خوبی می دانند که این مساله تاکنون باعث رد صلاحیت آنها توسط شورای نگهبان بوده است.

## سیاست‌ها و ایده‌ها

۱. ضرورت بیان دلایل منطقی پیرامون وجوب اصل التزام و اعتقاد به نظام برای کاندیداتوری مجلس
۲. بازخوانی موارد اصلاح‌شده‌ی قبلی در قانون اساسی و چرایی انجام آن، به منظور جلوگیری از سفسطه پیرامون مطالبه تغییر در برخی اصول قانون اساسی مرتبط با انتخابات، آن هم در شرایط فعلی
۳. برجسته سازی دیدگاه رهبری انقلاب به قانون اساسی و نحوه رجوع و اصلاح آن
۴. بازنمایی چرایی تلاش اصلاح طلبان برای تغییر در بحث اعتقاد و التزام به نظام در قانون اساسی

۵. ضرورت روشن‌گری پیرامون آثار منفی تضعیف اختیارات شورای نگهبان در ایام منتهی به انتخابات

۶. مقابله با القای جدایی خواسته مردم با مسئولان نظام پیرامون نحوه اداره حکومت

۷. لزوم پاسخگویی به برخی شبهات مطرح شده در ایرادات وارده از سوی اصلاح طلبان





موضوع پانزدهم

# مناظرات انتخاباتی

## مساله شناسی

از میان اقسام گوناگون تبلیغات انتخاباتی، «مناظره» بین کاندیداهای هر استان جایگاهی ویژه در میان مردم دارد. با توجه به ابتکار رسانه ملی در راه اندازی شبکه های تلویزیونی در هر حوزه انتخاباتی ضرورت مناظرات در انتخابات مجلس نیز اهمیت پیدا میکند. مناظره به سبب دوسویه بودن، چالشی بودن و نیز دارا بودن برخی تمایزات در نسبت با سایر اقسام تبلیغات نامزدها، فرصتی ویژه در راستای اقناع مخاطب پیش روی دست اندرکاران می گذارد تا از این فرصت، حداکثر بهره برداری را بنمایند. البته مناظره به سبب دارا بودن حساسیت ها و هیجانات خاص خود، طبعاً در کنار فرصت بودن، می تواند برخی وجوه تهدیدآمیز را نیز با خود به همراه داشته باشد. لذا به طور طبیعی، جهت بهره برداری حداکثری و مطلوب از فرصت های آن و در مقابل، به حداقل رساندن تهدیدها، می بایست برخی الزامات رسانه ای مرتبط با این حوزه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد که این امر با توجه به فرصت ها و تهدیدهای مترتب بر رسانه های نوین - خصوصاً بسترهای تعاملی فضای مجازی - اهمیتی دوچندان می یابد.

## سیاست ها و ایده ها

۱. بازنشر مجازی ویدئوهای مناظرات حضوری یا مجازی چهره های مطرح نزدیک به نامزدهای احتمالی جهت هرچه داغ تر نشان دادن تنور انتخابات
۲. بازخوانی سیر روبه جلوی رسانه ملی برای تدارک مقدمات برگزاری مناظرات میان نامزدها در بستر تلویزیون
۳. بازنمایی مواردی از مناظرات انتخاباتی در سایر کشورها - خصوصاً کشورهای مدعی دموکراسی و به ویژه ایالات متحده - که در آنها، بسیاری از موازین اخلاقی به راحتی زیر پا گذاشته می شود.

۴. برجسته سازی مناظرات انتخاباتی صداوسیما در ادوار مختلف که برخلاف بسیاری از مناظرات موجود در کشورهای دیگر — مندرج در بند قبلی — تا حد بسیار خوبی، حدود حدود اخلاقی و انسانی در حین مناظرات رعایت شده است.

۵. بازنمایی برخی شیوه های نوین و خلاقانه مناظرات میان نامزدها در سایر کشورها با هدف الگودهی به نامزدهای داخلی، خصوصاً با بهره گیری از ظرفیت های فوق العاده ی فضای مجازی و سکوهای مربوطه

۶. آموزش شیوه ها و تکنیک های مناظره به مردم (در قالب هایی چون موشن های سریالی، مجموعه عکس نوشت، اینفوگرافی و...) جهت افزایش سطح آگاهی آنان در این رابطه و نتیجتاً اتخاذ موضعی فعالانه و آگاهانه در قبال مناظرات نامزدها

۷. تبیین ضرورت حضور کارشناسانی خبره در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی در جلسات مناظره جهت جلوگیری از ارائه آمار اشتباه و یا کذب و یا حتی طرح های غیرقابل اجرا از سوی نامزدها

۸. تقویت حس انسجام، همبستگی و همدلی میان نامزدهای انتخاباتی، پیش و پس از مناظرات، از طریق طراحی عکس نوشت ها و یا پوسترهایی با این مضمون (برای مثال طراحی نقاشی دیجیتال نامزدها، در حالی که دست در دست یکدیگر داده و ایستاده اند).

۹. پیشنهاد طراحی قاب های گرافیکی مختص هر نامزد جهت گنجاندن مطالب نامزدها در قاب های مخصوص شان و نشر حداکثری آن

۱۰. تبیین اهداف مناظرات تلویزیونی در جهت کمک به یک انتخاب عقلانی و نه یک هیجان مناظراتی صرف و بی فایده

۱۱. طراحی اینفوگرافی های شاخه‌ای و تصویری از خلاصه بحث های مطرح شده از سوی هر نامزد، به شکلی که فردی که مناظره را از دست داده نیز بتواند با نگاهی اجمالی به اصل موضوعات پی ببرد.

۱۲. برگزاری نظرسنجی های توئیتری، تلگرامی، اینستاگرامی و... پس از برگزاری مناظرات با هدف داغ نگاه داشتن تنور انتخابات

۱۳. برگزاری نشست ها یا گفتگوهای تخصصی با صاحب نظران در بستر فضای مجازی با موضوع بررسی علمی و تخصصی طرح ها و ادعاهای نامزدهای انتخاباتی در مناظرات درجهت کمک به مردم برای تصمیم گیری بهتر

۱۴. تهیه مصاحبه های مردمی صریح در رابطه با نظر مردم در رابطه با مناظرات

موضوع شانزدهم

# مشارکت اصناف

## مساله شناسی

اصناف دایره گسترده ای از مخاطبان حساس جامعه را در برمی گیرند که بر حسب اتفاق جزء قشر هدف مشارکت در انتخابات نیز هستند از این جهت که بخش عمده ای از آنها با واقعیت های اقتصادی و اجتماعی کشور از نزدیک سروکار دارند و اقناع ذهنی آنها می تواند کمک شایان توجهی به افزایش حضور در انتخابات و پرشور شدن آن نماید.

از سوی دیگر با توجه به حلقه گسترده اصناف و افراد وابسته به آنها و خانواده های این افراد، توجه به مطالبات اصناف گوناگون می تواند به عنوان یک جامعه آماری با پتانسیل بالا برای رای دهی، جزء محورهای اصلی مباحث انتخاباتی قرار بگیرد به شکلی حتی می توان اذعان داشت با حل و فصل این مطالبات بخش عمده ای از مشکلات کشور را حل کرد.

بدین ترتیب توجه به اصناف در دو محور حائز اهمیت است. ابتدا از جنبه دایره گسترده اصناف و جمعیتی که تحت پوشش خود قرار داده اند و سپس از جنبه مطالباتی که از جانب آنها مطرح می شود که هر دو جنبه از عوامل تاثیرگذار در مشارکت در انتخابات قلمداد می گردد.

### اهداف

۱. پرداختن به مطالبات اصناف در جهت ترغیب اصناف به شرکت در انتخابات
۲. مورد توجه قرار دادن افراد تحت پوشش اصناف و خانواده های آنها در جهت جلب اعتماد هر چه بیشتر

### پیام

۱. مطالبات اصناف مهم هستند و رفع و رجوع آنها در الویت قرار دارند.
۲. اصناف از اهمیت بالایی در جامعه برخوردار هستند و توجه به آنها باید در دستور کار دولت های بعدی باشد.

### سیاست

۱. بررسی قانون های حمایتی اصناف و سازوکارهای اجرایی آنها
۲. تاکید بر اصناف به عنوان بخش عمده حیات اقتصادی کشور و نقش حساس آنها در اقتصاد کشور
۳. مرور اقداماتی که نظام جهت حل مشکلات اصناف انجام داده است
۴. خنثی سازی موج سازی رسانه های معاند بر روی اجتماعات صنفی و سوءاستفاده های احتمالی از آنها



## ایده تولید

۱. تهیه کلیپ هایی با محتوای بررسی سوابق تجمعات اصناف و اقداماتی که برای رفع مشکلات آنها صورت گرفته
۲. تولید مصاحبه هایی از اصناف مهم و پرکاربرد در جهت آشنا شدن با مسائل و مشکلات آنها
۳. ارائه این مصاحبه ها به نامزدها و درخواست ارائه راهکار در این موضوع

موضوع ہفدہم

# انتخابات مجلس خبرگان

## مقدمه

مجلس خبرگان رهبری یکی از نهادهای اساسی و حساس نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است که سه وظیفه اصلی و ذاتی آن؛ شناسایی، انتخاب و نظارت بر رهبری است. از این رو انتخابات مجلس خبرگان بسیار مهم بوده و با توجه به این که رکن رکین و ستون و خیمه انقلاب اسلامی است، نمایندگان منتخب مردم در مجلس خبرگان رهبری، مسئولیت خطیری برعهده دارند.

یکی از مسائلی که بر حساسیت انتخابات آتی مجلس خبرگان می‌افزاید، همزمانی و تجمع آن با دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی است. این مساله موجب شده که خواسته یا ناخواسته روند این دو انتخابات در یکدیگر تاثیرگذار باشد. ضمن آنکه تجمع این دو می‌تواند بر میزان مشارکت در انتخابات مجلس خبرگان نیز بیفزاید.

## اهمیت مجلس خبرگان

معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران در پیامی به اجلاس خبرگان رهبری، درباره اهمیت مجلس خبرگان می‌فرماید: بالاترین انحراف، که منجر به انحراف تمام ارگان‌ها می‌شود، انحراف رهبری است، که امروز شما نقش اول آن را دارید، راه خود را با قدرت الهی و تعهد به اسلام بزرگ و قوت ایمانی و روحی ادامه دهید. به هیچ چیز الا مصالح اسلام و مسلمین فکر نکنید. امام (ره) در همین پیام، مسئولیت خبرگان را در رأس همه مسئولیت‌ها دانسته و خطاب به نمایندگان این مجلس تأکید می‌کنند: «تاریخ و نسل‌های آینده درباره شما قضاوت خواهند کرد». امام خمینی (ره)، مجلس خبرگان را در راستای تقویت رهبری و پشتوانه کشور برای حفظ امنیت، استقلال و آزادی کشور دانسته و خطاب به آحاد مردم می‌فرماید: «تعیین خبرگان و فقیه شناسان، از تکلیف

بزرگ الهی است و هیچ کس را عذری در مقابل اسلام و پیشگاه خداوند قهار نخواهد بود».

از منظر رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای نیز مجلس خبرگان مهمترین هنرش این است که نگذارد در کشور خلاء رهبری به وجود آید. ایشان می فرماید: «اهمیت انتخابات خبرگان رهبری، که شاید هیچ کدام از انتخابات های کشور به این درجه از اهمیت و حساسیت نباشد، در این است که با این انتخابات، مردم افراد خبره مورد اعتماد خودشان را انتخاب می کنند، تا این ها آماده به کار باشند برای لحظه حساس فقدان رهبری در کشور. این مجموعه مورد اعتماد ملت باید بنشینند و با بصیرت کامل، رهبری را که قادر بر ادای تکالیف رهبری می دانند، انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند».

مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی تنها ۶ میلیون اختلاف در ادوار گذشته

## آمار مشارکت هر دو مجلس به تفکیک:

تعداد کل آرای انتخابات مجلس شورای اسلامی (در ۱۰ دوره گذشته):

**۲۳۱,۳۳۶,۴۱۱**

تعداد کل آرای انتخابات مجلس خبرگان (۵ دوره گذشته):

**۱۰۹,۲۷۵,۳۶۱**

با توجه به اینکه تعداد انتخابات مجلس خبرگان به میزان یک دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی است می توان گفت که تنها تعداد ۶ میلیون نفر در انتخابات مجلس شورای اسلامی رأی داده اند اما در مجلس خبرگان رأی نداده اند.

## کلان روایت های دشمن در فضای مجازی پیرامون مجلس خبرگان

- مجلس خبرگان ساختاری بی خاصیت است و نمایندگان هر استان هیچ فعالیتی برای پیشرفت حوزه انتخابیه خود انجام نمی دهند.
- خالص سازی نمایندگان مجلس خبرگان رهبری توسط شورای نگهبان به منظور ممانعت از ورود منتقدان رهبری به این مجلس انجام می شود
- آیت الله رئیسی از ترس شکست در رقابت با دکتر روحانی از حوزه انتخابیه تهران نامزد نشده است
- کهولت سن رهبری عاملی برای تشدید محدودیت های فرایند تأیید صلاحیت نامزدها و مهندسی فرایند انتخاب رهبر آینده توسط شورای نگهبان است
- مهندسی انتخابات توسط دولت به منظور فراهم کردن مقدمات به رهبری رسیدن آیت الله رئیسی در حال انجام است

## مخاطبان دارای اولویت در عملیات رسانه ای

**قشر انقلابی کم اطلاع:** روش مواجهه با این قشر توانمندسازی بینشی آنان برای دفاع از جایگاه این مجلس است.

**قشر خنثی و بی تفاوت:** روش مواجهه با این قشر تبیین ضرورت و اهمیت مجلس خبرگان و آگاه سازی پیرامون اهمیت تعیین نمایندگان شایسته برای تصدی کرسی های این مجلس است.

**قشر منتقد غیرمغرض:** این قشر پیاده نظام منتقدان مغرض داخلی و خارجی است و بایستی شبهات پیرامون مجلس خبرگان از افکار آنان زدوده شود.

**قشر معاند آگاه:** بهترین نوع مواجهه با این قشر عملکرد تهاجمی در رسانه و پرهیز از استدلال ورزی منطقی است.

## اهداف

- تبیین اهمیت و ضرورت مجلس خبرگان رهبری برای آینده کشور
- تبیین چرایی هجمه رسانه‌های مغرض و معاند به مجلس خبرگان و فرایندهای انتخاباتی آن

## سیاست‌ها

- تبیین وظایف و ظرفیت‌های مجلس خبرگان و تعیین حد و حدود نقش‌آفرینی این مجلس
- تبیین اقداماتی که نمایندگان مجلس در قبال حوزه انتخابیه خود انجام داده‌اند
- تأکید بر صحت عملکرد نظارتی مجلس خبرگان بر رفتار ولی فقیه
- تبلیغ و ترویج مناظرات برگزارشده میان کاندیداهای مجلس خبرگان از جناح‌های مختلف در مرحله تبلیغات انتخاباتی

## ایده تولید

- تهیه ویدئوکلیپی با مضمون شرح وظایف و حد و حدود کارکردهای مجلس خبرگان و وارد نبودن بسیاری از انتقاداتی که برخی مردم نسبت به عملکرد این مجلس دارند.

- تهیه اینفوگرافی برای بازنمایی عدم منافات نحوه عملکرد فردی و حاکمیتی رهبر انقلاب با معیارهای نظارتی مجلس خبرگان به منظور زدودن انگاره‌های تشریفاتی بودن این مجلس و عدم نظارت بر عملکرد رهبری.
- برگزاری برنامه‌های مناظراتی میان کاندیداهای مجلس خبرگان از جناح‌های مختلف در هر استان و بازنشر ویدئوکلیپ‌های گلچین شده این مناظرات در فضای مجازی.
- تهیه ویدئوکلیپ‌هایی مشتمل بر حضور نمایندگان مجلس خبرگان در میان مردم حوزه انتخابیه خود و همنشینی با مردم.